

و اگذار کنند و ارجح سایر مطالب بنده در سه توضیح می‌دهم تارفع شبهه آقایان بشود من می- دانم بعضی از آقایان باین ماده رأی نخواهند داد برای اینکه اصل مطلب درست واضح نیست هر اداره و وزارتخانه دارای يك شغلهای موظفی است که متصدیان آن شغل جزو مستخدمین آن اداره محسوب میشوند و این مستخدم اضافه حقوقی دارد ترقی رتبه دارد رتبه اش بالا و پائین می‌آید و بالاخره تمام قوانینی که برای آن اداره مقرر است شامل آن مستخدم خواهد شد و البته این شخص در این اداره مستخدم است بموجب این قانون ممکن نیست در اداره دیگری مستخدم باشد زیرا در آن واحد میشود تمام احکام هر دو وزارت خانه شامل يك شخصی بشود و اما اینکه می‌فرمایند باید استثناء را در يك ماده دیگری قید نمود بنده این مطلب را صحیح نمی‌دانم بمقبضه بنده اگر استثنائی هست باید در بین ماده قید شود يك شخصی در يك اداره مستخدم است موظف هم می‌باشد ترقی هم می‌کند لیکن ممکن است يك وقتی ضرورت اقتضا نماید که موقتاً يك شغل دیگری هم با و اگذار نمایند و این مسئله هم صلاح دولت است و هم نمیشود از آن جلوگیری نمود زیرا جلوگیری از آن صدمه زیادی بدولت وارد خواهد آورد مثلاً امروز مقتضی شد که حاکم فلان محل را فوریت بخواهند و خواستند رئیس تلگرافی خانه را موقتاً بجای او بگذارند نمیشود گفت چون ممکن است وزیر وقت برای برقرار کردن برادرزاده اش بحکومت این مأمور را خواسته باشد بنا بر این نباید چنین قانونی گذارد زیرا این عزل کردن اگرچه شغلش را برادرزاده اش بدهد چه ندهد مسئول است و این کار غلط را هیچکس نباید بکند زیرا هیچکس را بدون تقصیر نمیشود از کار خود منفصل نمود و این يك مطلب علیحدہ است و هر کس مرتکب چنین عملی شد باید مورد مجازات واقع شود ولی در صورتی که فرداً در يك اداره دو منشی باشد یکی از آنها مدت دو ماه یا سه ماه ناخوش شود و وضعیت اداری مقتضی شود که منشی دیگری بگویند یا قدری زیاد تر کار بکن و کار این یکی را هم بکن در این صورت نمیشود گفت آن خدمت زیادی را مجاناً و بلاعوض انجام بدهد مثلاً اگر منشی در اطاق خودش ده کاغذ باید بنویسد نمیشود گفته کاغذ دیگری هم به علاوه کار خودت بلاعوض بنویس پس این ماده در موقع ضرورت اجرا خواهد شد و باید نوشت لدی‌الضرورة زیرا از این لفظ بالاتر چیزی نداریم مگر اینکه بنویسیم مگر وقتی که کسی مریض شد مگر وقتی کسی معزول شد مگر فلان مگر فلان پس بهترین الفاظ همان لدی‌الضرورة است و ضرورت چیزی است

که دولت از اصلاح بداند مثلاً يك وقتی يك حكومتی را می‌خواهند و رئیس تلگرافخانه را موقتاً بجای اومی گذارند و يك حقوقی هم اضافه بر حقوق شخصی او بامیدهند این شخص مأمور وزارت داخله نیست بلکه مأمور تلگرافخانه است منتهی موقتاً کار حکومت را کفالت می‌کند و البته این مسئله صرفه دولت است زیرا هم کار زمین نمیداند و هم حقوق و خرج سفر علیحدہ برای يك کار موقتی نمی‌دهند حالا اگر آقایان می- گویند آن حقوقی که لدی‌الضرورة و موقتاً می‌گیرد زیاد است ممکن است نصف کنند یا ثلث کنند و لکن در اصل مطلب میشود مخالفت کرد زیرا اگر يك چنین ضرورتی اتفاق افتاد چه باید کرد ؟ اگر يك شخصی علیحدہ یا حقوق و خرج سفر علیحدہ از مرکز بفرستند که صحیح نیست بنا بر این لفظ لدی‌الضرورة خیلی خوب است و نباید تغییر کند و شغل هم نیست زیرا فقط مستخدم يك اداره است منتهی چون کار زیادی می- کند يك حقوق موقتی می‌گیرد و اگر مقدار آن زیاد است ممکن است کسر شود

حاج میرزا مرتضی - شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند که کار در ایران منحصر بشغل دولتی نیست بنده تصور میکنم حضرت والا شاید اهل ایران نباشند والا در این مملکت که هیچ کارخانه ندارد و کاری نیست بلکه يك عده اشخاصی که در تهران هستند فقط چشمشان بهمیزهای دوائر دولتی است و می‌خواهند در ادارات مستخدم شوند این حرف خیلی غریب است در این مملکت ما فابريك که نیست کار که بیست دیگر قالی بافی و بقالی و غیره و آن اشخاصیکه در ادارات بروندی اینکارها نمی‌روند و آنکه فرمودند از بندر قشم یا جای دیگری موقتی ضرورت اقتضای کند که رئیس گمرک مأمور معدن نظارت کنند این مسئله نادر الوقوع نمیتواند میان قانون ما واقع شده والا بموجب همین قانون چیزی نمی‌گذرد که تمام اشخاص را که در ادارات بیپناه خارج می‌نمایند متفقدین جای آنها را می‌گیرند می‌گویند از نقطه نظر صرفه جوئی است بنده عرض می‌کنم اگر صرفه جوئی است پس حقوق زیادی دادن چه معنی دارد آن شخص که موقتاً متکفل شغل میشود بهمان حقوق شخصی قناعت نماید باز هم عرض میکنم که اگر این قانون بگذرد سبب خواهد شد که يك عده بی‌یادنی از ادارات خارج شده و متفقدین جای آنها را بگیرند آقای مخبر بطور مثال فرمودند که حکام و چودشان در ولایت خیلی لازم است بنده عرض می‌کنم اگر چودشان در ولایات لازم باشد معاون دارند و در غیاب آنها معاون رسیدگی بامور می‌نماید لازم نیست رئیس تلگرافخانه کفالت نماید به علاوه حکام در ولایات کاری ندارند و این اهمیتی که

آقای مخبر آنها دادند اینطور نیست حکام غیر از اینکه در ولایات مشغول بچاپول شوند کار دیگری ندارند (از طرف نمایندگان چنین نیست) **حاج میرزا مرتضی -** همینطور است که می‌بینید هر کجا که حاکم میرود و فعال مایشاء است هر چه می‌خواهد میکند خون ملت را مثل زالو می‌مکد و هیچکس هم نیست بداد آنها برسد آقای زنجانی فرمودند کار ریاست وزراء شغل نیست بنده عرض میکنم معاونت شغل شد وزارت هم شغل است عنقریب اداره ارزاق هم شغل است بنده مدتی است می‌بینم باوجود اینکه اشتغال دو شغل موظف متنوع است و رئیس الوزرا همیشه يك شغل وزارت هم دارند بر فرض اینکه ضرورت اقتضا نماید چرا حقوق می‌گیرند يك حقوق وزارت کافی است بنا بر این بنده مقیده ام این است همان طور که شاهزاده فرمودند این ماده را دو قسمت نمایند در قسمت اول ابتداء رأی بگیرند و بعد هم در قسمت استثناء رأی بگیرند تا کسانی که مخالف آن قسمت هستند و رایشان معلوم باشد

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند **محمد هاشم میرزا -** نسبت به امراض بنده سوء تفاهمی شده است بنده توضیحی دارم **رئیس -** رأی می‌گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می‌دانند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) **رئیس -** معلوم میشود کافی است چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می‌شود (پیشنهادات بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد می‌کنم ماده - دوم این قسم نوشته و اصلاح شود چون چند شغل دولتی متنوع است مگر لدی‌الضرورة در این صورت فقط حقوق درجه مافوق را در صورتی که درجه ما فوق باشد دریافت می‌دارد فقط يك حقوق دریافت می‌دارد (حاج شیخ اسدالله) بنده پیشنهاد می‌کنم ماده (۴) بطریق ذیل تجزیه شود

ماده (۴) جمع دو شغل موظف متنوع است **ماده (۴)** - گاه لدی‌الضرورة یکی از مستخدمین ادارات شغل دیگری غیر از شغل ثابت خود را موقتاً متکفل شود علاوه بر کلیه مقرری خود حق استفاده از قسمتی از مقرری شغلی را که در تحت کفالت اوست نیز خواهد داشت ولی میزان این اضافه هیچ وقت از نصف مقرری شغل ثانوی تجاوز نخواهد کرد (فهمیم الملك) پیشنهاد می‌کنم که جزء اول ماده - دوم

اینطور نوشته شود : هر کس دارای شغلی باشد در صورت ضرورت موقتاً بتفصیل ذیل شغل موظف دیگری را میتواند دارا باشد (مدرس)

ما امضاء کنندگان پیشنهاد میکنم بعد از لفظ جمع نوشته شود شخصاً دو یا چند شغل موظف (دول - آبادی - آقا سید یعقوب) مخبر - بنده درست ملتفت نشدم خوب است مجدداً بخوانید (مجدداً قرائت شد)

مخبر - پس عبارة اینطور میشود جمع شخصاً دو یا چند شغل موظف متنوع است **آقا سید یعقوب -** اجازه می‌فرمایند توضیح عرض کنم **رئیس -** بعد توضیح خواهید داد پیشنهاد آقای منتصر الملك قرائت میشود بمضمون ذیل قرائت شد **رئیس -** پیشنهاد دیگری هست قرائت میشود بمضمون آتی قرائت شد بنده پیشنهاد می‌کنم ماده سوم این

طور اصلاح شود ماده (۳) جمع دو یا چند شغل موظف متنوع است و اگر ضرورت ایجاب نماید که موقتاً بمأموری شغل دیگری سوای شغل او رجوع شود باید مقررات ذیل مرعی شود (ا) بهر يك از مأمورین دولتی شغلی رجوع شود که ما دون رتبه او باشد نصف حقوق رتبه ما دون علاوه بر حقوق شخصی باور داده میشود

(ب) هر گاه یکی از مأمورین دولتی بعنوان کفالت شغل بالاتری را اشغال نماید نصف حقوق رتبه آنکس که قائم مقام او است به علاوه نصف از حقوق شخصی خود را دریافت می‌دارد (ج) هر گاه بمأموری شغل هم رتبه او رجوع شود تمام حقوق شخصی و ثلث حقوق آنکس که قائم مقام او است داده میشود (آصف الممالك)

رئیس - آقای منتصر الملك (اجازه)

منتصر الملك - بنده چون عضو کمیسیون هستم در کمیسیون عقاید خود را عرض کرده ام و با جمع دو شغل دولتی مخالف بودم لیکن از طرف دیگر معلوم شد در موقعی دولت مجبور می‌شود برای يك مدت قلیلی رئیس تلگرافخانه را نایب الحکومه قرار دهد بدیهی است در چنین موقعی رئیس تلگرافخانه مجاناً این کفالت را نخواهد نمود و از طرفی هم باید این مسئله را در نظر گرفت که چه باعث شده است که دولت را مجبور بتقاضای وضع چنین قانونی نموده است متأسفانه آنچه بنده تصور می‌کنم

بعضی اشخاص ذی نفوذی به تشبثاتی متوسل می شوند و بعنوانین مختلفه چندین شغل دولتی را احتکار می نمودند و همین مسئله دولت را وادار به چنین پیشنهادی نمود چنانچه برای مأمورین خارجه هم برخلاف ترتیبات همه دنیا مجبور شدیم قانون وضع نماییم از طرف دیگر هم نمی شود دست دولت را بست این است که بنده تصور میکنم .

اولا باید ریاست وزراء را از این قانون مستثنی نماییم زیرا ریاست وزراء مقامی است که اداره کننده مملکت است و ممکن است يك شغل وزارتی هم داشته باشد و حقوق او را هم بگیرد .

ثانیا اگر بنا باشد همینطور ادبی الضروره نوشته شود . شاید بعضی اشخاص باشند که این ادبی الضروره را برای خودشان مدرکی قرار دهند و مادام العمر بگویند ضرورت اقتضا کرده بنا بر این بنده پیشنهاد می کنم اگر ضرورت هم اقتضا کرد طول مدت آن بیش از ششماه نباشد در ظرف ششماه دولت مجبور شود مأمور دیگری معین نماید .

رئیس - آقای گروسی عضو کسبون بوده هستند ؟

گروسی - خیر
رئیس - آقایان دست قبیح و حاج میرزا عبدالوهاب چطور .

آقای سید محمد باقر دست خبیث . خیر نیستم

رئیس - پس رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای منتصر - الملك .

آقای سید فاضل - بنده عضو کسبون هستم اجازه میفرمائید .

رئیس - بفرمائید
آقای سید فاضل - بنده گمان

می کنم این مطلب منطقی نیست بجهت اینکه ضرورت يك تفسیر است که یا هست یا نیست اگر ضرورت اقتضا کند وقت معین کردن برای آن صحیح نیست زیرا اگر ضرورت بود باید اجازه داد و اگر نبود اجازه نمی دهند بنا بر این نمی شود برای ضرورت توقیت قائل شد ممکن است يك وقت ضرورت اقتضا نماید هشت ماه فلان مأمور فلان شغل را متصدی باشد در اینصورت توقیت صحیح نیست .

رئیس - رای می گیریم آقایانی که پیشنهاد آقای منتصر الملك را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله مجدداً قرائت می شود

(بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - نصف این عبارت راجع

بقسمت های بعدی است و در واقع راجع به قسمت اول پیشنهاد کرده اند موقتاً حذف بشود حالا توضیحی دارید بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - پیشنهادی که بنده کرده ام نسبت به تمام فقرات ماده است و نسبت باین فقره هم لفظ موقتاً حذف کرده ام بعقیده بنده بعد از اینکه ضرورت اقتضا می کند و حقوقش هم گرفته می شود هیچ فرقی نمی کند یکماه یا ششماه یا دوسال در شور اول هم همین نظریه را داشتم و باز هم در تمقیب نظریه خودم این پیشنهاد را کرده ام و تصور می کنم خیلی ساده تر باشد و دولت هم در اجرای آن دچار اشکالی نخواهد شد زیرا حالا يك قانونی وضع نشده است که يك شخصی نباید دو شغل را اشتغال نماید کمتر دیده میشود که کسی دو یا چند شغل را اشتغال نماید مگر در طهران که بعضی اوقات اتفاق می افتد در هر صورت بنده نسبت به تمام فقرات از این ماده پیشنهاد خود را لازم میدانم

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - این لفظ موقتاً در کسبون بوده بعد از مذاکرات زیاد گذارده شد برای اینکه تأیید بکنند که از لفظ ضرورت سوء استفاده نشود و بنده نمی فهمم حاج شیخ اسدالله از این پیشنهاد چه نظریه ای دارند ؟ و بعقیده بنده ذکر این کلمه لازم است .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - آقای حاج شیخ اسدالله با آن نظریه که دارند باید بگویند ضرورت هم لازم نیست زیرا در صورتی که حقوق بگیرد چه ضرورت داشته باشد چه نداشته باشد فرق نمی کند اما راجع بفرمایش آقای آقا سید فاضل بفرمایش قبل خودشان فرق داشت یعنی فرمودند ضرورت توقیت نیست و نمی شود وقت برای او معین نمود بنا بر این موقت هم نسبت بضرورت معنی ندارد یعنی ضرورت ممکن است موقتی باشد یا ضرورت مادام الضروره را اگر مادام الضروره باشد موقت مخالف است .

رئیس - باید رای بگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله اصلاح ایشان عبارة از همان عبارة قسمت اول ماده با حذف لفظ موقت آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد خودشان را عوض نمودند و پیشنهاد دیگری فرستاده اند قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ما پیشنهاد می نماییم که جزو اول ماده

سوم اینطور اصلاح بشود . جمع دو یا چند شغل موظف ممنوع است (آقا سید یعقوب دولت آبادی)

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید
آقا سید یعقوب - لفظ چند اصطلاحاً اطلاق بر سه تا و بالاتر می شود ولی اگر لفظ دو را اضافه کنیم منافاتی با ایفاء مقصود ندارد زیرا قانون باید طوری نوشته شود که سهل الا انتقال باشد و موافق آنچه در راپورت نوشته شده می تواند ایراد کنند که دو شغل ممنوع نیست زیرا چند شامل دونیست .

رئیس - این پیشنهاد چنانچه عالی مطلب را نمیرساند

از این پیشنهاد همچو مفهوم می شود که شما قائل هستید نصف عبارت قسمت اول حذف شود

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - نسبت به بعد حرفی ندارم مقصود جزء اول ماده است

پیشنهاد قرائت شود تا معلوم گردد
رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بعقیده بنده عبارت واضح است زیرا اگر دو شغل نشد بیشتر هم نمی شود و این کلمه واضح است اگر می خواهند واضح تر بنویسند بنویسند جمع بیشتر از يك شغل ممنوع است .

رئیس - رای می گیریم به قابل توجه بودن اصلاح آقایان آقا سید یعقوب و دولت آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای مدرس مطرح است توضیحی دارید ؟

مدرس - بفرمائید یکمرتبه دیگر قرائت کنند که آقایان دانسته رد کنند

رئیس - توضیح بدهید

مدرس - مقصود از این پیشنهاد نظریه بود که شاهزاده سلیمان میرزا فرموده اند این قسمت تجزیه شود و اگر این پیشنهاد قبول شود دیگر محتاج بتجزیه نمی شود آقایان یا قبول می کنند یا رد می نمایند دیگر تجزیه لازم نیست سایر فرمایشاتی که آقایان فرمودند محتاج به بیان است لذا ضمناً عرض می کنم موقتاً قید ضرورت است نه قید چیز دیگر که می فرمایند یا ضرورت ذکر نشود یا موقتاً عرض دیگرم این است که اگر در اینجا گفته شده است ریاست وزراء که شغل نیست پس باید بگوئیم ریاست مجلس هم شغل نیست خیر بنده ریاست مجلس و ریاست وزراء را هر دو شغل می دانم مثل منتهی شغل اداره

کردن است .

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن اصلاح آقای مدرس آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای آصف الممالک راجع به پیشنهاد خود توضیحی دارید بفرمائید ؟

آصف الممالک - بعقیده بنده اولاً باید دید این قانون قانون شغل است یا قانون وظیفه بیده تصور نمی کنم این قانون را برای عمل نوشته باشند که معلوم شود بيك کسی يك شغل یا دو شغل بدهند بلکه این قانون وظایف و مستمریات مشخص بدهند که اگر شخصی در آن واحد دو شغل داشته باشد تکلیف چیست ؟

این بعضی از آقایان يك مخالفتی فرمودند که بنده خجای تعجب می کنم زیرا راه هر وقت می خواهیم قانون وضع کنیم بیشتر نگاه میکنیم به مواردی که از قانون سوء استفاده شده است و دیگر ملاحظه نمیکنیم مواردی که

از قانون باید استفاده های خوب بشود این مسئله غالباً قبلاً بوزارتخانه ها است و غالباً اتفاق می افتد که حکام یا سایر مأمورین دولتی از شغل خود منفصل و یا احضار بر مرکز میشوند آنوقت مجبور می شوند موقتاً شغل او را باشخصی که زیر دست او هستند یا با او در يك رتبه هستند تفویض کنند و آنها باید یکماه یا دو ماه یا سه ماه متصدی آن شغل باشند این را هم آقایان تصدیق میفرمایند که حقوق در مقابل يك تکلیفاتی داده می شود که هر مأموری مسئول است در حدود مسئولیت خودش آن تکلیفات را انجام بدهد پس وقتی که يك نایب - الحکومه شغل حکومت را موقتاً متصدی میشود بهمان نسبت هم يك تکلیفاتی بر او تعمیم می شود که باید آنها را انجام بدهد در اینصورت نمی شود گفت با اینکه کار های رتبه بالاتر خود را انجام داده است باید ما باو حقوق ندیم و از حقوق اوقات زیادی که مصروف آن کارها نموده محروم باشد چون هر کسی که مستخدم می شود يك میزان معینی از اوقاتش را می فروشد نه اینکه تمام اوقات زندگانش را بفروشد بنده با روزی هشت ساعت کار بهای صد تومان مستخدم می شوم اما اگر روزی شانزده ساعت کار کنم و بیشتر تکلیف برای من معین شود بهمان نسبت باید زیاد تر حقوق بگیرم به علاوه متشبه نشود این هم برای وقتی است که يك مأموری را از معالی میخوانند و برای اینکه کار معطل نماند موقتاً شغل او را بامورد دیگری میدهند پس باید دید آن مدتی که آن مأمور متصدی آن شغل است چه میزان باید باو حقوق داد و چون تا بحال قانونی در این باب نبوده

است این است که این لایحه پیشنهاد شده برای اینکه بعد از این تکلیف معلوم باشد حالا اگر در مآخذ و میزانش آقایان تغییری لازم میدانند آن موضوع دیگری است ولی چون عبارت بیک ترتیبی نوشته شده که همچو می فهماند که برای شغل نوشته شده بنده آنرا تغییر دادم و کلمه رجوع می شود در عوض آن گذاشتم باین ترتیب که وقتی شغل يك مأموری يك مأمور دیگر رجوع می شود باید بفلان ترتیب بآن مأمور حقوق داد

رئیس - قسمتی از پیشنهاد آقای آصف الممالک راجع به جزو اول است قسمت اول قرائت می شود و رای می گیریم .

(آقای نظام الدوله قسمت اول رایورت را مجدداً قرائت نمودند)

مخبر - بنده يك توضیحی از آقای آصف الممالک می خواهم و عرض می کنم اگر مقصود ایشان اصلاح عبارتی است گمان نمی کنم يك چنین سوء تفسیری نسبت باین عبارت بشود برای اینکه می نویسند مگر لدی الضروره موقتاً و در این صورت فقرات ذیل مرعی خواهد شد بنده هیچ تفاوتی مابین این پیشنهاد و رایورت نمی دانم و اینکه توضیح می خواهم برای این است که بقول آقای مدرس ندانسترد نکرده باشم

آصف الممالک - چون باید معلوم باشد که این قانون برای شغل نیست برای این است که اگر دولت مقتضی دید يك شغلی را بیک مأموری علاوه بر شغل خودش تعین کند تکلیفش چیست ؟ این است که بنده عبارت را تغییر دادم .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اینکه می فرمایند لفظ دولت را اضافه کنیم در بعضی جاها دچار اشکال می شویم مثلاً يك مستخدمی ناخوش شده می خواهم بگوئیم يك فراش خلوت موقتاً کار او را انجام دهد آنوقت باید این کار را رجوع بهیئت دولت بکنند چرا این اشکالات را بی جهت تولید می کنند ؟ بهتر این است این ماده را بهمان عبارت خود بگذارند باقی باشد اما اینکه آقای دولت آبادی گفتند قبل از لفظ چند دو اضافه شود این طور نیست که لفظ چند شامل از سه به بالا بشود شامل دوم هم میشود و بنابراین اضافه کردن لفظ دو هم لازم نیست

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - معلوم است این ماده راجع باین است که اعطای کننده شغل یعنی هر کس که صلاحیت دارد بدهد و

شغل بدهد یا سه شغل بدهد مگر لدی - الضروره و بنظر بنده که عبارت خیلی صریح و واضح است و بنده که خوب فهمیدم و استدرک می کنم که سایرین هم خوب فهمیده اند لذا بنده از پیشنهاد آقای آصف الممالک چیزی نفهمیدم و گمان می کنم لازم باشد عبارت را تغییر بدهند

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

زنجانی - آقای آصف الممالک فرمودند نظرشان بر مقرری است عبارت ایشان موضوعش بر دو قسم است بفرمایند بشوایند .

رئیس - در موقع رای گرفتن خوانده خواهد شد آقای تدین (اجازه)

آقا سید محمد تدین - در عبارت این رایورت و مذاکراتی که بین آقایان شده عبارت اینطور تغییر میکند (جمع دو یا چند شغل) و بنده مخالف این تغییر هستم برای اینکه لفظ (چند) از کمیات و مبهامات است جمع نیست که بگوئیم اصلش سه تا و ما زادهش بیشتر از سه بالا تراست بعلاوه در اینجا از لفظ چند مقصودش این است که جمع دو شغل ممنوع است سه شغل به طریق اولی ممنوع خواهد بود و بهیچ وجه من الوجوه جائز نیست کسی سه شغل را دارا باشد و مقصود از لفظ چند در اینجا دو شغل است و از برای رفع این ابهام اگر اجزاء این ماده را آقایان بطور دقت ملاحظه بفرمایند خواهند دید که مقصود از لفظ (چند) دو شغل است نه بیشتر زیرا جزء اول این ماده اینطور است (هر يك از مأمورین دولتی شغل مصادون خود را) و مقصود این نیست که هر يك از مأمورین دولتی شغل های مآدون های خود را اشغال کند و از این عبارت کاملاً معلوم است که مقصود این است جمع بین دو شغل موظفاً ممنوع است مگر در موقع ضرورت آن هم موقتاً پس بعقیده بنده هیچ مأموری نمی تواند دارای سه شغل بشود چه لدی الضروره باشد چه نباشد چه موظف باشد چه نباشد بنابراین بنده با این توضیحاتی که داده شد مقصود این است که لفظ چند برداشته شود و لفظ دو نوشته شود

رئیس - قسمت اول اصلاح آقای آصف الممالک قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - جمع دو یا چند شغل موظف ممنوع است و اگر ضرورت ایجاب نماید که موقتاً بمأموری شغل دیگری سوای شغل او رجوع شود فقرات ذیل مرعی شود .

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

کسی قیام ننمود

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح آقایان دست غیب و حکا زرائی قرائت می شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ما پیشنهاد می کنیم که پس از کمر در این صورت این عبارت نوشته شود : حقوق اضافه بر حقوق شغل دائمی خود نخواهد داشت .

رئیس - این پیشنهاد راجع باین قسمت نیست راجع بقسمت دوم و سوم و چهارم است .

حالا نمی شود رای گرفت پیشنهاد آقای فهیم الممالک قرائت میشود . (آقای نظام الدوله مجدداً قرائت نمودند)

رئیس - ولی يك اصلاح دیگری رسیده است که تکلیف او قبلاً معلوم شود و متعلق به آقای حائری زاده است قرائت می شود .

(بشرح آتی قرائت شد)

کفالت پیش از يك شغل دولتی موظفاً غیر از مواقع ضرورت ممنوع است و در مواقع لزوم فقط مأمور از حقوق سابق خود با کمترین حقوقی که برای مشاغل معینه معلوم شده حق استفاده دارد .

رئیس - خطاب با آقای حائری زاده قسمت دوم راجع است بما بعد این طور نیست ؟

حائری زاده - بلی .

رئیس - قسمت اول هم تکلیفش معلوم شد برای اینکه تفاوتی که قسمت اول پیشنهاد با رایورت دارد این است که لفظ موقتاً را ندارد .

حائری زاده - اگر مطابق تقاضای آقای سلیمان میرزا تجزیه بشود بنده این پیشنهاد را رد نمیکنم .

رئیس - توضیح بدهید تا تکلیفش معلوم شود .

حائری زاده - توضیحی ندارم . رئیس - چون تفاوتی که عبارت رایورت دارد این است

که لفظ موقتاً را ندارد و تکلیف حذف لفظ موقتاً هم معلوم شد

حائری زاده - من مقید بعبارت نیستم .

رئیس - پیشنهاد آقای تدین قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که بعضی لفظ (چند) لفظ (دو) نوشته شود

رئیس - (خطاب به تدین) توضیح همان بود که دادید ؟

تدین - بلی

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای تدین آقایانیکه قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(اغلب قیام فرمودند)

رئیس - قابل توجه پیشنهاد آقای فهیم الممالک بالطبع بمیانم چون این یکی قابل توجه شد

فهیم الممالک - اجازه میفرمائید ؟ رئیس - بفرمائید .

فهیم الممالک - بنده در تبدیل لفظ چند به لفظ (دو) همین طور که رای دادند موافق بودم ولی مقصودم این است توضیحاتی که مخبر محترم از بنده خواستند عرض کنم اینکه عرض کردم تجزیه شود فرضم این نبود که با قسمت ثانی مخالف باشم زیرا تصدی دو شغل قطعی با کفالت موقتی مخالف است در قسمت اول ما ممنوع میدانیم که هیچ وقت دو شغل را بطور قطع بکسی ندهند این موضوعی است علیحده ولی اگر احتیاجات تقاضا کند که موقتاً يك مستخدمی شغل دیگر را کفالت کند باید شرایطی معین شود و چون در قسمتهای بعد مذاکره نشده بنده دو آن باب توضیح نمیدهم و همین قدر عرض میکنم که باید این دو موضوع از هم تجزیه شود قسمت اول را علیحده رای بگیریم و قسمت ثانی را هم علیحده رای بدهند

رئیس - نمیشود رای گرفت زیرا پیشنهادیکه میکنند این است که در قسمت های بعد هم رای گرفته شود و بعد از اینکه پیشنهاد آقای تدین قبول شد امروز نمی شود در این ماده رای گرفته شود

بایستی بمیانم برای روز بعد

فهیم الممالک - اجازه میفرمائید ؟ رئیس - بفرمائید .

فهیم الممالک - اگر حالا تجزیه ماده را مجلس رای بدهد قسمت را برای پیشنهاد آقای تدین می شود برای بعد گذاشت و در قسمت دوم مذاکره شود

رئیس - تجزیه رای نمیدهم در صورتی که بخواهید تجزیه بشود بایستی ابتدائی بقسمت اول رای بدهند و بعد بقسمت دوم و چون فعلاً نمی شود بقسمت اول رای گرفت مطابق نظامنامه می نمایم برای بعد

ماده چهارم قرائت می شود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - مستخدمین دوائر دولتی هر گاه در مدارس دولتی در غیر وقت کار اداری تدریس نمایند مقرری تدریس را هم میتوانند دریافت دارند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده در این ماده عرضی ندارم .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده هم همین طور

رئیس - آقای فهیم الملك
(اجازه)

فهیم الملك بنده همانطور که در شرر اول عرض کردم در این قسمت هم با عبارت کمیسیون مخالفم عبارت کمیسیون می نویسد (هرگاه در مدارس دولتی در غیر موقع اداری تدریس نمایند) بنده عرض کردم ممکن است اشخاصی که در ادارات هستند دارای معلوماتی باشند و چون وقت ادارات روز است و غالباً مصدق با اوقات مدارس است همان طور که پیشنهاد کردم خوب است با اختیار اداره واگذار کنند که اگر شخصی در يك اداره کار میکند و در مدرسه هم میشود از او استفاده کرد از اداره خواهش کنند و اوقاتی را برای تدریس او معین کنند که منافات با اوقات کار او داشته باشد و باو اجازه بدهند هفته يك ساعت دو ساعت چهار ساعت در مدارس تدریس کنند و البته اجزای دیگری هستند که آن يك ساعت شغل او را کفالت کنند و نباید اشخاص را مجبور کرد که از این استفاده محروم بمانند زیرا معلم برای مدارس کم است و هم چنین اجزاء تحصیل کرده برای ادارات کم است اگر يك عده معدودی پیدا شود نباید آنها را مجبور کرد که یا در اداره باشند یا در مدرسه بنا براین بنده مجدداً پیشنهاد خود را تکرار می کنم و تقاضای مینمایم در آن را بپذیریم
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی
(اجازه)
(غائب بودند)
رئیس - آقای گروسی موافقت
گروسی - خیر مخالفم
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - مقصود آقای فهیم الملك اگرچه نادرست ولی عبارت را بورت کمیسیون هم کافی است برای اینکه نوشته اند در غیر وقت کار اداری وقت برایش معین نکرده اند که هشت ساعت یا شش ساعت اگر شخصی پیدا شد که وجودش برای مدرسه و اداره هر دو لازم بود ممکن است در اداره هفته سه روز یا چهارروز مستخدم بشود و اگر حقوقش در ماه صد و پنجاه تومان است صد تومان بگیرد و بقیه اوقاتش را برود در مدرسه تدریس نماید و اگر وجودش برای اداره خیلی لزوم دارد بهیچوجه نمی تواند وقت خود را صرف تدریس در مدارس نماید و همین طور برعکس اگر وجودش برای مدارس خیلی لازم است دیگر بکار اداری نمی رسد بعلاوه چون جمع کثیری هستند که خودشان را برای تعلیم حاضر کرده و برای تدریس در مدارس تحصیلات لازمه کرده اند و این راه میخواهند معاش خود را

اداره کند اگر ما باین پیشنهاد آقای فهیم الملك رای بدهیم راه معاش بروی آنها بسته می شود آقایانی که صندلی های اداره را اشغال کرده اند می خواهند هر دوره بروند در مدارس هم تدریس کنند و اگر رئیس اداره با وزیر اجازه ندهد اسم معارف رویش می گذارند چون اسم معارف عبارتست از هر روزی را از میدان درمی کنند آن وقت تمام مردم و روز نامه نویسها می گویند بر علیه معارف رفتار شده آنوقت آن بیچاره هائی که فنشان معلمی است چون وسائلی نداشته اند تحصیلاتشان بیفایده شود و مجبور می شوند بروند در تجارتخانه ها یا جاهای دیگر گذران کنند بمقتضای بنده این ماده خیلی کافی است و آن مواقع نادره را هم که آقای فهیم الملك می فرمایند تامین می کنند
رئیس - آقای گروسی

(اجازه)
گروسی - ایام کار برای ادارات دولتی و مدارس غالباً مصادف است و هیچ دیده نشده که در مدرسه و سطروز در گرمای هوا مشغول تدریس باشند که در آن موقع کسی مجبور باشد و بروند تدریس کنند و اگر در ایام روز کسی مشغول کار اداری باشد دیگر کار مدرسه را نمیتواند انجام بدهد و کم اتفاق می افتد که اوقات مدرسه با اوقات کار ادارات مصادف نباشد و این هم کاری نیست که مجلس برای آن قانون وضع کند
رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟
(جمع می گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادی که آقای فهیم الملك در شور اول کرد بودند قرائت می شود
(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم اخذ حقوق تدریس و تعلیم در مدارس توأماً با اخذ مقرری اداری منافات نخواهد داشت مشروط بر اینکه اوقات تدریس قبلاً با موافقت و اجازه اداره متوجه معلم طوری معین شود که مانع انجام وظایف اداری نشود

رئیس - پیشنهاد ایشان طبع و توزیع هم شده است نسبت باین پیشنهاد مخالفی نیست ؟

محمد هاشم میرزا - همه مخالفند رای بپذیرید

رئیس - آقای تدین
(اجازه)

تدین - این ماده چهارم بهترین ماده است از برای کمک کردن به مدارس و معلمان برعکس پیشنهادیکه آقای فهیم الملك فرموده اند چون يك قسمت از وسایل ادارات و وزارت خانه ها هستند که هم ریاست اداره را اشغال کرده اند و هم معلمی مدارس را می نمایند از یکطرف ریاست اداره را اشغال کرده اند از يك

طرف حق یک نفر معلم را غضب کرده اند و اینکه می فرمایند بسته است بنظر رئیس اداره اگر خود رئیس اداره در این موقع به مدرسه رفت چه باید کرد بنده چند نفر از روسای ادارات را سراغ دارم که میروند در مدارس دولتی تدریس می کنند در صورتی که يك عده معلم بی کار هستند در اینجا است که حقیقتاً جمع بین دو شغل شده است و بنده موافق با اصل این ماده هستم زیرا این نه ضرورت افتضا می کند نه هیچ چیز دیگر اما اینکه می فرمایند اوقات کار ادارات و مدارس مساوی است و بنده عرض می کنم خیر اینطور نیست مطابق اطلاعاتی که بنده دارم این است که فلان رئیس اداره با مدیر مدرسه قرار می گذارد مثلاً فرض بفرمائید قرار است که سه ساعت بظهر مانده مدرسه افتتاح به شود این مدیر قرار می گذارد که چهار ساعت ونیم قبل از ظهر عده از معلمان حاضر بشوند و کلاس فوق العاده تشکیل یابد و آن رئیس اداره تدریس کند و آ همین بعد از ظهر ها دوشنبه که ادارات تعطیل است مدارس تعطیل نیست بعلاوه بعضی دروس هست که هفته یکی دو روز بیشتر تدریس نمی شود ممکن است دو روز دوشنبه دو ساعت بروم در مدرسه و مصادق و مصداق هم دارد و یا ممکن است بعد از ظهر ها یا عصرها زودتر يك کلاس فوق العاده قرار دهد اینجا يك چیز هائی است که در عمل هویدا است پس بهترین ماده که حقیقتاً کمک به معلمان می کند و جلوگیری از جمع بین دو شغل مفهوماً می نماید و بمقتضای بنده این ماده است

رئیس - آقای فهیم الملك
(اجازه)

فهیم الملك - بنده فهیم مقصود آقای تدین از اینکه فرمودند مدیران دوائر میروند در مدرسه می گویند چه بود ؟ مگر بد است ؟

بسیار خوب می کنند برای اینکه ما معلم نداریم مدارس ما هیچ معلم ندارد از طهران باید بگذریم در ولایات معلم نیست مخصوصاً باید خواهش بکنم اشخاصی که يك اندازه معلومات دارند بروند درس بدهند بلی اگر مدارس متوسطه یا دیلمه چندین ساله خودش را بیرون داده بود بنده هم موافق بودم ولی چون ما چیزی نداریم و فاقد وسایل تحصیلات هستیم باید بهر قسمت هست اسباب تحصیلات را فراهم کنیم و اگر بدانیم يك شخصی هست که بتوانیم از او استفاده کنیم باید بهر شکلی هست او را بیآوریم درس بدهد و اگر بگوئیم روساء و اعضاء اداراتی که میروند در مدارس تدریس می کنند باید بر مدرسه قرار بگذارند که در يك ساعت مخصوص بروند که وقت اداری آنها از بین نرود این اسباب زحمت است برای اینکه يك عده شاگردان هستند که شبها برای درس نمی توانند حاضر

بشوند یا این که بعد از ظهر بلافاصله چطور شاگرد بدبخت حاضر بشود برای این که معلم وقت دیگری ندارد حالا چه ضرر دارد که اداره يك موقعی معین کند که يك ساعت دو ساعت بروند در مدرسه تدریس کنند و اگر معلم خوب و قابل نیست نه فقط نباید در مدرسه درس بدهد بلکه در اداره هم نباید باشد و بنده کاملاً پیشنهاد خود را تأیید می کنم ولو اینکه آقایان مخالف باشند

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فهیم الملك آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند
(کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد رای می گیریم بماده چهارم آقایانی که ماده چهارم را تصویب می کنند قیام فرمایند
اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد بقیه می ماند برای جلسه دیگر جلسه آتی به پس فردا روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور اول بودجه مجلس ثانیاً بقیه مذاکرات راجع باین قانون
(مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۹۹
صورت مشروح مجلس یوم شنبه ششم
حوال المکرم ۱۳۴۰ مطابق سیزدهم جوزا ۱۳۰۱

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر - بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه یازدهم جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند
رئیس - ایرادی نسبت بصورت مجلس هست یا نه ؟
گفته شد - خیر

رئیس - چون اعتراضی نیست صورت مجلس تصویب شد
دستور امروز چنانچه قرائت شد یکی لایحه راجع بمستریات است و دیگری بودجه مجلس ولی جمعی تقاضا کرده اند که بودجه مجلس امروز جزء دستور نباشد

بالفعل لایحه راجع بمستریات باید مطرح شود ولی چون رایورنی از شعبه پنجم راجع بنمایندگی آقای سالار معظم از تون و طیس رسیده است آنرا مقدم می داریم قرائت میشود

آقای میرزا محمد نجات رایور شعبه پنجم پنجم را بشرح ذیل قرائت نمودند شعبه ۵ در تاریخ ششم شهر رمضان ۱۳۴۰ بدو سیه و چریان انتخاب نماینده تون و طیس و کن آباد و بشرویه و توابع رسیده گی نموده
خلاصه چگونگی آن را بقراری است که ذیلاً بمرض مجلس مقدس میرسد
از دوازدهم شهر جمادی الاولی ۱۳۴۰ در تون و طیس و کن آباد و بشرویه و توابع انجمن نظارت تشکیل و به ترتیبی که در صورت

مجلس آن مصرح است به نشر اعلان و دادن تعرفه واخذ اوراق رأی و قرائت آنرا مشغول در بیست و هشت جمادی الثانیه ۱۳۴۰ انتخابات مزبور خاتمه یافته از هشت هزار و پانصد و هفت رأی هفت هزار و چهارصد و چهل و هفت رأی درباره آقای سالار معظم بوده .

جریان انتخاب مزبور موافق مواد قانون انتخابات بعمل آمده چیزی که مخالفت با قانون داشته باشد در صورت مجلس آن دیده نشده مگر اینکه مدت اعلان انتخابات مزبور را انجمن مرکزی تون کمتر از ده روز قرار داده و چون این قبیل مخالفت قانونی را در بعضی شعب و مجلس مقدس مورد توجه و اعتناء قرار نداده شکایت و اعتراض نیز بهیچوجه در دوسیمه مزبور ملاحظه نشده ششم پنجم با کیریت آراء بنمایندگی آقای سالار معظم را از تون و طیس و گن آباد و بشرویه و توابع تصدیق و تصویب نموده (محمد نجات)

رئیس نسبت باین رایورت مخالفی نیست .
تدین - بنده مخالفم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در این موضوع بنده عرضی ندارم لکن خواستم از مقام ریاست سؤالی بکنم که بشعبات امر بفرمائید که اعتبارنامه هایی که مانده تکلیف آنها را

رئیس - این مسئله راجع باین موضوع نیست .

آقا سید یعقوب - چون خیلی از اعتبارنامه ها مانده است می خواستم تقاضا کنم .

رئیس در آخر جلسه بفرمائید - این رایورت می ماند برای جلسه دیگر در ماده سوم لایحه مستمریات دو پیشنهاد شده بود یکی از طرف آقای تدین که در عرض چند شغل نوشته شود (دوشغل) و قابل توجه شدو دیگری از طرف آقای فهیم الملک که ماده را تجزیه کرده بودند نصف عبارت قسمت اول را يك ماده کرده اند و باقی را در ماده دیگر نوشته اند

نصرت الدوله متخیر - در این پیشنهادات و این ماده که به کمیسیون مراجعه شد هنوز کمیسیون اتخاذ نظر قطعی نکرده است آیا با اینصورت تجویز می فرمائید مذاکره شود

رئیس - مانعی ندارد چون کمیسیون روز پنجشنبه می تواند تجدید نظری نموده و رای قطعی اتخاذ نماید و چون اینکار را نکرده است خود مجلس میتواند مذاکره بکند مگر اینکه مجلس اینطور صلاح بداند که به کمیسیون مراجعه شود
بعضی اظهار نمودند - روز پنجشنبه چون جلسه خصوصی بود وقت نبود

رئیس پیشنهاد آقای فهیم الملک قرائت می شود .
آقای نظام الدوله بشرح آتی قرائت نمودند
ماده - جمعه دو یا چند شغل موظفاً ممنوع است

ماده ۴ - هرگاه لدی الصروره یکی از مستخدمین ادارات شغل ثابت خود را موقتاً متکفل شود علاوه بر کلیه مقرری خود حق استفاده قسمتی از مقرری شغلی را که در تحت کفالت او است نیز خواهد داشت ولی میزان این اضافه هیچوقت از نصف مقرری شغل ثانوی تجاوز نخواهد کرد

رئیس - بالفعل این يك قسمت از ماده سوم را که يك ماده جدا گانه کرده اند یعنی جمع دوشغل موظفاً ممنوع است مذاکره میشود

آقای آقا میرسید حسن کاشانی (اجازه)

آقا میرسید حسن - این ماده را که بدو جزء تجزیه کرده اند جزء اولش در قانون اساسی تصریح شده و نوشته شده است که هیچ يك از اعضاء ادارات حق ندارند دوشغل را موظفاً قبول کنند

رئیس - در کدام اصل این مسئله تصریح شده است

آقا میرسید حسن - حالا عرض میکنم
رئیس - اگر مقصود اصل شصت و هشتم است راجع بوزراء است نه اعضاء ادارات

آقای میرزا شهاب الدین (اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - عرض بنده

راجع بهمین موضوع بود که در اصل شصت و هشتم و هشتماد و پنجم قانون اساسی مصرح است که وزیران و رؤساء محکم موظفانیت خواهند دوشغل را قبول کنند در اینصورت این ماده سوم مخالف می شود با قانون اساسی و خوب است عبارت طوری نوشته شود که رفع مخالفت آن با قانون اساسی بشود باز تکرار میکنم که آن دواصل یکی اصل شصت و هشتم است و دیگری هشتم و پنجم که جمع دوشغل را موظفاً منع میکنند و این ماده مخالف با قانون اساسی است و باید اصلاح بشود

رئیس - آقای دست غیب مخالفند
آقا سید محمد باقر دست غیب

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب بطور

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند

سلطان العلماء - بلی

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - عرض بنده گفته شد

رئیس - آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی بطور

آقا میرزا هاشم - بنده هم مخالفم
رئیس - آقا میرزا هاشم میرزا

(اجازه)
محمد هاشم میرزا - ایرادی که آقای

کاشانی و آقای آقا میرزا شهاب الدین فرمودند یکی راجع بوزراء است و یکی راجع بر رؤساء محاکم عدلیه است و هیچ مخالفی هم ندارد در بابی موارد قانون اساسی ساکت است چون در اصل شصت و هشتم نوشته است و وزراء نمی توانند پس باقی می توانند و نسبت بسایر مأمورین چون قانون اساسی ساکت است می توان یک قانون متعارفی نوشت و هیچ مخالفتی هم نه منظور قانونه مفهوم با این ماده نداره ولی لفظ (موظفاً) که در قانون اساسی نوشته شده است کاملاً تفسیر نشده است که موظف یعنی چه آیا مقصودش مکلف بودن همدار بودن کار است یا حقوق است ؟

و اینکه بنظر بنده میرسد در همان زمانی که قانون اساسی را نوشتند قانون وظایف را هم نوشتند و در قانون وظایف نوشته شده است که حقوق اداری جزء وظیفه نیست و وظیفه اطلاق بر حقوق دائمی از قبیل مواجب و مستمری می شود و حقوق اداری را شامل نیست و هیچ معلوم نیست کسی که حقوق اداری داشته باشد بعد از مردنش نصف آن حقوق با اولاد یا ورثه او داده شود پس بنا بر این موظفاً را نمی توان حقوق اداری فرض نمود و این مسئله به عقیده بنده قابل تفسیر است و اگر لفظ موظفاً را در اینجا ذکر کنیم ممکن است اشکالی پیدا شود

رئیس - آقای سید محمد باقر دست غیب

آقا سید محمد باقر (اجازه)

آقا سید محمد باقر - همان می کنم چیزی که متفق علیه است این است که جمع دوشغل ممنوع است

حاج شیخ اسدالله - خیر متفق علیه نیست

آقا سید محمد باقر - مگر آقای

حاج شیخ اسدالله نهایت صحبت در موظف و غیر موظف بودن است بعضی ها عقیده دارند که جمع دوشغل غیر موظف ممنوع است و بعضی می گویند برعکس بهتر است و صرفه دوات هم در این است و بواسطه صرفه دولت است که این نظرها دارند اگر نظر بصره دولت است که غیر موظف باشد بهتر است مثلاً بجائی که رئیس بستخانه هست و چندان کاری ندارد عیبی ندارد ریاست تلگراف خانه را هم با او دهند مثل آباده که ریاست تلگراف و پست اگر یکی باشد بهتر است چون تلگراف خانه روزی یک ساعت بیشتر کار ندارد بستخانه هم روزی دوساعت بیشتر

کار ندارد اگر این دو کار را بدون وظیفه بیک نفر بدهند اهمیت ندارد صرفه دولت است ولی اگر چنانچه نظر بصره دولت نیست و غرض بعضی مخطورات است مثل اینکه حاکم را منفصل می کند و تا وقتی که حاکم را نفرستاده اند باید بر رئیس تلگراف خانه بگویند شما آنجا را اداره کنید تا حاکم ثانوی بیاید این مخطور نمی شود برای این که ممکن است حاکم را معزول نکنند تا وقتی که حاکم ثانوی برود آنوقت حاکم سابق بیاید و اگر یک وقتی اتفاق لازم افتاد که همان ساعت آنجا حاکم را معزول کنند ممکن است بر رئیس تلگراف خانه بگویند شما افتخار این شغل را اداره کنید و بولم نگیرد پس بنا بر این عرض می کنم که دوشغل ممنوع است مگر بموجب همان پیشنهادی که بنده و آقای کازرانی کرده ایم یعنی در صورتیکه موجب نخواهد ممنوع نخواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو و حاج شیخ اسدالله مخالفند

حاج شیخ اسدالله - بنده با فرمایش آقای دست غیب مخالفم

ارباب کیخسرو - بنده نمی دانم لایحه مطرح است یا پیشنهاد آقای فهیم الملک ؟

رئیس - پیشنهاد

ارباب کیخسرو - بنده تصور می کنم این اعتراضاتی که آقایان می فرمایند پیشنهاد آقای فهیم الملک وارد نباشد برای اینکه قسمت اول پیشنهاد آقای فهیم الملک می گوید جمع دوشغل ممنوع است اگر آقایان نظری در اینقسمت دارند باید بفرمایند بنده نظریات آقایان را راجع

باین قسمت هیچ مخالف نمی بینم و اگر آقایان در ماده بندی که ایشان پیشنهاد کرده اند مخالفند بعد باید بفرمایند در این ماده که بعقیده بنده همه موافقت

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

مخیر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگر ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک فائل شده اند بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان باین است که يك ترتیبی نسبت بحقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك عبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

نظرها را بکنند و آقایان پیشنهاد کنند گان مخصوصاً از آقای فهیم الملك خود بنده تقاضا کرده بودم که كنك بكنند و يك راه حلی و يك عبارت جامعی که متفق علیه باشد برای این مطلب پیدا کنیم ولی بواسطه مجلس خصوصی ممکن نشد و موقع انعقاد کمیسیون جلسه خصوصی تشکیل شد و اگر آقایان مخالفت نداشته باشند بنده تصوری میکنم صحیح تر و منطقی تر این است که اگر بخواهیم استثنائی برای يك اصل قائل بشویم در يك ماده باشد بهتر است و حالا اگر آقایان تجویز فرمایند یا در این جایگاه عبارت پیدا کنند که جمع بین این چند نظر را بکنند یا اینکه مسئله بر گردد بکمیسیون و آقایان هم تشریف بیاورند بکمیسیون و يك عبارت پیدا کنند که بعد دچار زحمت نشویم

رئیس آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم بطوریکه آقایان فرمودند با اصل ماده مخالف هستم و در ممنوع بودن دوشغل مخالف نیستم

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بنده همانطور که بعضی از آقایان فرمودند در اصل ماده مخالفتی ندارم و در استثنائیکه بر حسب ضرورت و غیر ضرورت اقتضا کند مخالفم.

دولت پیشنهادیکه نموده است برای این است که به مشکلات بر خورده است مثل اینکه بنده يك شغلی داشته ام و معاون فلان اداره بوده ام بعد فلان اداره هم مدیر کل شده ام یا مدیر و معلم فلان مدرسه شده ام و تمام حقوقاتش را هم اخذ میگردم چون دولت

باین مشکلات بر خورده این لایحه را تقدیم مجلس کرده است که جمع دو شغل موظفاً ممنوع است و بنده با اصل ماده مخالف نیستم ولی در استثنائاتش مخالفم برای اینکه همین استثنا سبب می شود که ماده اول را هم خراب کند و مقصود را از بین ببرد و آنوقت هر چه فریاد بزنیم میگوید ضرورت در کار بود و به ضرورت بر خوردیم و ناچار شدیم مثلاً والی فارس نبود و معاونش نمیتوانست اداره کند برای اینکه ایالات زیاد در آنجا هست سرحد است بنادر دارد و چه است و چه است پس عرض می کنم قانون را مقنن باید جامع الاطراف وضع کند و استثنائی که شاید وقوع پیدا نکند وضع نکند قائل نشووا لنادر کالعدم و نادر را مامول مسموم فرض می کنم بالاخره بنده با اصل ماده موافق هستم و با استثناء مخالف هستم

یعنی بالفاظ (مکرر در صورت ضرورت) مخالف هستم مثلاً خیال می کنم نه صد هزار تومان اعتبار که تصویب شد ممکن است اگر ضرورت پیش آمد موقتاً مبلغی بمصرف

برسانند مثل اینکه اگر خدای نکرده فلان همارت خراب شد بسازند پس برای استثنائی است نادر ما نباید قانون را فلج کنیم و باز هم عرض می کنم و تکرار می کنم با استثناء مخالف هستم و استثناء اسباب اشکال فراهم می کند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اگر آقایان اجازه فرمایند بنده اصل مطلب را قدری واضح بکنم تا قدری مطلب روشن شود و معلوم شود که کداميك از حقوق را عقیده دارند جمع دوشغل ممکن است با حقوق باشد و ممکن است بی حقوق باشد و اینکه آقای سلطان العلماء می فرمایند با اصل ماده موافق هستم و با استثناء مخالفم خواست فرمایند بطور اطلاق مخالفم چون بطور اطلاق با موقع ضرورت فرق می کند پیشنهادی که دولت کرده بود این بود که اگر کسی دوشغل را متکفل شدفقه حقوق مازاد را باید بگیرد و بنده هم با آن نظریه موافقم و همانطور هم پیشنهاد کردم و کمیسیون آنرا رد کرد حالا شقوقی که ممکن است متصور شود این است که يك وقت جمع دو شغل را می گویند بکلی ممنوع باشد یعنی هیچکس نمیتواند دو شغل داشته باشد ام از اینکه بی حقوق باشد یا با حقوق چه در موقع ضرورت باشد و چه در غیر موقع ضرورت اگر ما بخواهیم بگوئیم در موقع ضرورت هم ممنوع است برای دولت اسباب زحمت می خورد زیرا در موقع ضرورت ممکن است دولت مجبور شود که کاریك اداره را بيك اداره دیگر محول کند مثلاً اداره تذکره را با اداره گمرک رجوع کند چون اگر بخواهند برای يك جای کوچکی يك مأمور مخصوص برای تذکره و يك مأمور برای گمرک بفرستند شاید گنجایش نداشته باشد و اتفاقاً يك مسافری عبور بکند و باید تذکره بدهند در اینصورت صرفه دولت در این است که يك مأمور برای هر دوشغل بفرستند

اگر ما جلو گیری کنیم تصوری کنم برای دولت اسباب زحمت باشد پس عقیده بنده باید فقط (موظف) برداشته شود و اگر جمع بین دوشغل بطور اطلاق بکلی ممنوع باشد تولید اشکال می کند و لیس اگر مطابق پیشنهاد دولت لدى الضروره باشد عیبی ندارد و اینکه بعضی از آقایان اشکال می کنند که جمع دو شغل برخلاف قانون اساسی است خیر قانون اساسی راجع بوزراء است که موظفاً نمیتوانند دوشغل را اختیار کنند ولی اگر امروز مجلس رای بدهد که سایر مأمورین موظفاتی نتوانند دو شغل داشته باشند ممکن است ولی بعقیده بنده

مجلس هم چورائی نمی دهد و اگر رای بدهد جمع دوشغل موظفاً ممنوع نیست ممکن است در بعضی موارد بعضی اشخاص بوسائلی که می دانند مشاغل دولتی را اشغال کنند و حقوق مختلف بگیرند پس باید اینطور نباشد و جلوی این ترتیب را گرفت و آن این است که بگوئیم جمع دوشغل ممنوع نیست ولی بدون وظیفه و همینطور هم بنده پیشنهادی کرده ام که باید جمع بین دوشغل را آزاد گذاشت ولی بدون حقوق مثلاً اگر رئیس الوزراء آمد وزارت داخله یا خارجه را هم قبول کرد باید يك حقوق بگیرد اگر برسد که خیلی خوب و يك صرفه بحال دولت است و اگر نرسد دای ندارد که يك وزارت خانه را معطل بگذارد هر اداره همین حال را دارد اگر توانست دو شغل را قبول کند باید قناعت بحقوق مازاد بکند حالا ممکن آقایان فرمایند در بعضی از موارد يك شغل مادوثی باور جمع میشود و در آنجا يك زحمتی می کشد آن وقت بدون عرض خواهد بود البته مستخدم دولت است و باید زحمت بکشد و در ساعت مقرره حکار بکند و در مقابل آن زحمت کمی کشد حقوق بگیرد و البته آن حقوق برای مخارج او هم کافی است این بود عقیده بنده

شیخ الاسلام اصفهانی - يك اظهار نظام نامه دارم اجازه می فرمائید

رئیس - فرمائید

شیخ الاسلام - فرمودید پیشنهاد

آقای فهیم الملك مطرح است ولی فرمایشات

آقایان در اصل ماده سوم است آیا این

خارج از موضوع نیست

رئیس - بلی چند دفعه گفته شد

آقای حاج میرزا مرتضی

(اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده در اصل

ماده سوم و فقرات ماده سوم عرض دارم اگر

اجازه بفرمایند عرض کنم و الا هر وقت

موقعش شد بفرمائید

رئیس - پیشنهادیکه آقای فهیم که

جمع دوشغل موظفاً ممنوع است عجالتاً در

این موضوع مذاکره می شود بعد در وقت

ثانوی پیشنهاد ایشان

آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - در این موضوع

در مجلس مذاکرات زیادی شد و اولاً باید

یک قدری نظریه مجلس بجانب مستخدمین

هم باشد بعد بصرفه دولت گمان نمیکنم

که آقایان مخالف باشند با اینکه جمع دو

شغل غیر موظف ممنوع باشد

حاج میرزا مرتضی - بنده مخالف

هستم

رفعت الدوله - خیر بنده عقیده

ام این است که جمع دوشغل که یکی وظیفه

داشته باشد و یکی نداشته باشد خیلی خوب است و اگر جمع دوشغل هر دو وظیفه داشته باشد این يك اسباب یاسی است از برای سایر مستخدمین و هم ضرر دولت است امروز يك مملکت ماطوری است که کارها را باید نصف بکنند چون بی کار خیلی زیاد است و اینکه دو کار را بيك نفر بدهند و حالا که می فرمائید شاید يك ضرورتی بیش بیاید بسیار خوب دوشغل ممنوع نباشد ولی باید حقوق یعنی حقوق مازاد را بگیرند و الا اگر دو که مواجب بگیرند و دو شغل متکفل بشوند بدو نفر بدهند خیلی بهتر است و بی کسار هم کمتر می شود

رئیس - سه نفر از آقایان آقای مدرس و امین الشریعه و حاج نصیر السلطنه پیشنهاد کرده اند که برگردد بکمیسیون و باتامل و ملاحظه اطراف مسئله مجدداً راپورت داده شود

شیخ الاسلام - اجازه می فرمائید رئیس - راجع پیشنهاد است

شیخ الاسلام اصفهانی - بلی يك

مطلبی است متعلق بپیشنهاد این پیشنهادی

که آقای فهیم الملك کرده اند و فرمودند

مطرح است باید اول در مقابل توجه بودندش

رای گرفت بعد داخل در مذاکره شد

رئیس - پیشنهاد آقای فهیم الملك

دو جنبه دارد که یکی تجزیه است و لازم

نیست قابل توجه بشود و یکی هم اصلاحاتی

است راجع باجزاء ماده سوم که میرود

بکمیسیون و اگر کمیسیون آن اصلاحات

را قبول نکرد آنوقت در قابل بودنش

رای میگیریم

حاج شیخ اسدالله - بنده با این

پیشنهاد مخالفم

رئیس - فرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده چون

در کمیسیون نظر یاتم با اعتناء

کمیسیون مخالف است و حس می کنم که

شاید اکثریت کمیسیون عقیده اش این

باشد که دو شغل موظف ممنوع نباشد و

حسابات بعضی از آقایان نماگان را متوجه

باین می بینم که دوشغل موظف ممنوع

است این است که بنده عقیده دارم در خود

مجلس این مسئله تمام بشود

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه

(اجازه)

حاج نصیر السلطنه - آقای حاج

شیخ اسدالله فلسفه غریبی اقامه می فرمایند

برای حل کردن موادی که مختلف فیه است ناچار

باید همه بنشینند و ملاحظه کنند و مسئله

را حل کرد بمجلس بفرستند که مطرح شود

و برای اینکه آقای حاج شیخ اسدالله در

کمیسیون بودجه در اقلیت هستند دلیل

نمی هود که این ماده بجای قانونی خودش

بکمیسیون نرود روز پنجشنبه هم بواسطه

تشکیل جلسه خصوصی نتوانستیم این مسئله را تمام کنیم اگر چه یک قدری طرح شد مذاکرات مقدماتی هم تا اندازه شد ولی حالا بعقیده بنده همانطور که سایر رفقا پیشنهاد کرده اند باید برگردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود و بعد بمجلس بیاید آنوقت مجلس هر نظری داشت اظهار خواهد نمود

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - البته آقایان تصدیق میفرمایند که نظریات خیلی مختلف است مثلاً بعضی عقیده شان این است که اگر هر دو شغل مفت باشد بهتر است زیرا برای دولت هیچ ضرری نیست واقعاً مملکت هم خوب اداره می شود همه کس مفت کار نمیکنند فلسفه هم ندارد که کسی در دنیا مفت کار کند من نمی دانم این فلسفه ها از کجا پیدا می شود و در کدام مدرسه گفته میشود هر کس يك خدمتی میکند خدا کند بکند و مزد بگیرد و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند در اقلیت هستند معلوم نیست ایشان در اقلیت باشند شاید موافق با ایشان شدیم کمیسیون بودجه هم برای همه کس آزاد است و هر يك از آقایان نمایندگان نظریاتی دارند ممکن است تشریف بیاورند آنجا و نظریات خودشان را بفرمایند این يك مسئله مهمی است که اگر درست شود هم برای دولت و هم برای مستخدمین دولت خوب است پس خوب است آقایان موافقت بفرمایند که این رایورت برگردد بکمیسیون و جاتامل در اطراف آن يك رأی اتخاذ شود و مجدداً بمجلس بیاید آنوقت اگر آقایان خواستند رد بکنند رد کنند دستشان بسته نیست لذا باینجهت تقاضا شد بر گردد بکمیسیون

رئیس - موافق شصت و دوم نظام نامه داخلی اگر مخیر کمیسیون تقاضا بکنند ممکن است برگردد بکمیسیون

مخیر - بنده قبل تقاضا کردم

رئیس - تقاضا نکردید

مخیر - در موقعی که مطرح شد تقاضا نمودم چون در کمیسیون درست نظر نشده است خوب است بکمیسیون مراجعه شود

رئیس - کل لایحه را تقاضا کردید

مخیر - چون آن قسمتهایی که رأی داده شد بود نمی توانستم تقاضا کنم

رئیس - ماده ۶۲ می گوید در وقتی که اصلاحاتی پیشنهاد می شود آنوقت ممکن است بکمیسیون مراجعه دادولی پیش از آنکه اصلاحاتی بشود نمی شود مراجعه داد حالا تقاضا می کنید یا رأی بگیری

مخیر - تقاضای کنم مراجعه شود به کمیسیون
رئیس - ماده چهارم هم که رأی داده شده است پس ممکن است که کمیسیون در موقع تنفس تشکیل شود و تا نیم ساعت دیگر نتیجه را اطلاع دهند

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یکساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - رایورت کمیسیون رسیده است قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ارجاع و جمع دو شغل متمایز با دو حقون اداری ممنوع است و اگر يك نفر مستخدم در صورت ضرورت بطور موقت مأمور تصدی شغل دیگری شود شرایط ذیل مرعی خواهد بود

رئیس - شرایط آن همان شرایطی است که در رایورت اولیه نوشته شده است

مخیر - اینجامی خواهم يك توضیحی خدمت آقایان عرض کنم که قبل از آنکه حملانی از اطراف شروع شود مطلب يك قدری روشن شده باشد در این ماده چند اصل منظور شده است یکی آنکه همه آقایان موافقت در شغل متمایز با دو حقون را نباید يك مأمور دائماً دارا باشد از آنطرف بملاحظه قید موظف که در قسمت اول ذکر شده ملاحظه صرفه دولت هم شده است باین معنی که اگر يك وقتی دولت اینطور صلاح بداند که مأمور فوائدها در يك ولایتی کار مأمور معارف را هم بکند و يك حقوق به آن بدهند این ماده ممانعت نخواهد کرد و البته آقایان تصدیق دارند که کارهای کوچک از قبیل معارف اوقاف يك ولایتی را يك مأمور می تواند اداره کند از آنطرف يك مسئله دیگر که خیلی مذاکره شد و بالاخره اینطور متعقد شدند این است که نمی شود از يك مأمور انتظار داشت که يك کاری غیر از کار خودش انجام دهد بدون اینکه تغییری در حقوق آن داده شود و در حقیقت مطابق تقسیم بندی و ترتیبی که در اصل لایحه نوشته شده بود يك اندامیته برای آن مأمور که این کار را می کند بعنوان حقوق موقت منظور شده و اگر بعضی از آقایان مخالفند از نقطه نظر رعایت زیاد صرفه دولت است ولی اگر بگذرد رعایت صرفه مردم و مأمورین را هم بکنند بهتر است مثلاً يك مأمور يك حقوقی می گیرد برای خدمت در تلگرافخانه اگر فرضاً پنجاه روز حکومت يك ایالتی را عهده دار شود از برای این مدت يك تفاوت حقوقی باید به او داد از برای اینکه خرجش زیاد تر می شود يك رسوماتی را باید مراعات کنند که وقتی رئیس تلگرافخانه بود نمی کرد

و البته باز هم حق آقایان و مجلس است که زودتر این مسئله را ختم بفرمایند که زیاد ماندنش خوب نیست

فقط يك استدعائی از آقایان دارم و آن این است که در موقع قانونگذاری باید رعایت تمام جوانب و اطراف را بنمائید قانون باید عمومیت داشته باشد قانون را نباید از نقطه نظر خصوصی وضع کرد و اینکه به تجربه دیده ایم فلان مأمور در فلان ایالت بزرگ هم مأمور معارف و هم مأمور اوقاف بوده و خوب کار نکرده است دلیل نمی شود يك قانونی بنویسیم که دست دولت را ببندد و نتواند کار کند حالا هم بسته به رأی مجلس است و هر چه اکثریت رأی دهد مطاع خواهد بود

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - بنده موافقم
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده همان طوریکه سابقاً عرض کردم حالا هم عرض می کنم که ارجاع چند شغل بیک مأمور سبب می شود برای احتکار يك عده محدودی در روائر دولتی و بی کار شدن يك عده غیر متنفذ بخصوص در صورتی که حقوقی هم از برای شغل اشغال شده بگیرد

اما اینکه می فرمایند اگر حاکمی رفت و معاون عهده دار امور حکومتی شد باید نصف حقوق او را بگیرد عرض می کنم معاون يك شخصی است که تمام دوازده ماه سال را حقوق می گیرد و بی کار است و وجود او برای همین کار است که اگر يك وقتی حکومت نباشد او جای حاکم باشد و اما اشخاص دیگر آنهم اشخاصی هستند که در دوائر دولتی اوقات خود را فروخته اند مثلاً فلان مأمور هشت ساعت وقت خود را بدولت فروخته است دولت مختار است که دوباره با چهار کار به آن مأمور رجوع بکند حالا در این هشت ساعت دو کار بکند کرده است سه کار بکند کرده است دولت يك حقوقی باو خواهد داد و بنده نمی فهمم چرا باید دو حقوق باو داد اما اینکه میفرمایند ملاحظه صرفه دولت شده است صرفه دولت در این است که اولاً دو شغل را بیک مأمور رجوع نکنند چون در مملکت ما بی کار زیاد است و کار کم از آنطرف متنفذین بواسطه نفوذی که دارند کارها را اشغال می نمایند و غیر متنفذین بی چاره را که فوه ندارند از اداات خارج می کنند حالا اگر چنانچه آقایان باینده همراهی نمی کنند که به يك نفر دو شغل داده نشود دو شغل بدهند ولی يك وظیفه بگیرد و در مقابل آن وقتی که بدولت فروخته است همان حقوق را بگیرد و دو شغل را اشغال کند

رئیس - آقای کاثرانی

(اجازه)
آقا میرزا علی کاثرانی - بنده مخالفم

رئیس - آقای سیدفاضل (اجازه)

آقا سیدفاضل - بنده موافقم
رئیس - بفرمائید

آقا سیدفاضل - قانون اساسی در سه مورد جمع بین دو شغل را معترض شده یکی در اصل سی و دوم که راجع به وکلاء است یکی اصل ۶۸ که راجع به وزراء است و یکی اصل هشتاد و پنجم که راجع برؤساء محاکم عدلیه است فرض از این ماده تأیید همین مطلب قانون اساسی است و جمع بین دو شغل متمایز همانطور که کمیسیون رایورت داده است باید دو حقون اداری ممنوع است نهایت این است که من باب اینکه دست دولت باشد چون خیلی از اوقات اتفاق می افتد که دولت محتاج است اشخاصی را احضار و منقصل کرد کار آنها را باشخاص دیگر واگذار نمایند و نمیشود تحصیل کرد که يك اشخاصی علاوه بر کارهای خودشان کار دیگری را مجانی عهده دار شوند

چون مستخدم دولت بهمان کاریکه متصدی است مستخدم است و حقوق می گیرد و اگر شغل دیگری باو رجوع شود البته او را باید محترم شمرد و در باب حقوقش هم همانطور که در ماده سوم نوشته شده است اگر شغل بالاتر را عهده دار شود حق دارد نصف حقوق شخصی و نصف حقوق کسی را که قائم مقام او است دریافت دارد و اگر شغل پائین تر را متکفل شد حق دارد تمام حقوق شخصی و نصف حقوق شخص مادون را دریافت نماید ولیکن بطور تنبیه لازم است یادآوری کنم که عنوان این ماده مشافلی است که يك شغل حساب می شوند ولی کارهایی که چندتای آن يك شغل حساب میشوند از موضوع این ماده خارج است و من باب وضوح يك تبصره هم پیشنهاد کرده و تقدیم می کنم که بعضی کارهای کوچک که سه تا چهارتای آنها يك شغل حساب می شود از موضوع این ماده خارج شد

رئیس - آقای کاثرانی (اجازه)

آقا میرزا علی - در اینجا دو کلمه

متناقض دیده میشود یکی ضرورت و یکی موقت مادام که ضرورت تحقق دارد تا آخرین لفظ نافذ خواهد بود

در اینصورت کلمه موقت در اینجا چه مناسبت دارد به علاوه غیر از قانون آسمانی در دنیا کدام قانون است که مؤید باشد که ما قائل شویم این قانون موقت است قانون اساسی هم مؤید نیست و ممکن

است تغییر و تبدیل کند

محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم

آقای میرزا علی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع ولیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون به متنفذین اجازه می دهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشخاصی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

البته باید در ازاء آن حقوق بدهیم زیرا بدل دقت میکند بنده عرض می کنم اوقاتی که ممکن است این مستخدم در کارها معذور دارد آن اوقات متعلق بدولت است و هر شغلی را که دولت باو ارجاع کرد باید انجام دهد کدام شغل را می گویند همان شغلی که برای تحصیل آن هزار گونه تشبیهات مشروع و غیر مشروع بکار می برد البته در آن اوقات اگر دولت باو تکلیف کند موقتاً يك شغل دیگری را متصدی باشد باید اطاعت کند و انجام دهد بنده مانع نیستم که گاهی بر سبیل ضرورت دولت بکثرت دو شغل رجوع نماید لیکن شروط بر اینست که فقط و فقط وظایف و مقامات کند بهمان حقوقی که برای همان شغل دائمی دولت باو میدهد برای چه؟ برای اینکه همانطوریکه شاهزاده فرمودند این قانون باید هم جامع باشد و هم مانع و برای اینکه در مواقع ضروری دست دولت را نه بسته باشیم و بتواند دو کار را يك نفر متصدی و اگذار کند و از طرف دیگر از اختلاس و بردن پول دولت و احتکار کار جلوگیری کرده باشیم این قانون را وضع می کنیم و همین که گفتیم افتخاراً مستخدم باشد آن وقت دیگر مشاغل را احتکار نمیکنند بنابراین بنده عرض می کنم که این مستخدم لدی الضرورة متکمل دوشغل باشد لیکن يك حقوق بگیرد این است عقیده بنده.

مخبر - میخواهم توضیحی نسبت به لفظ موقت و ضروری بدهم بنده تصور میکنم این دو لفظ باید یکدیگر تناقض نداشته باشد و منافاتی هم با اینکه هیچ قانونی مؤید نیست ندارد ضرورت يك وقت ایجاد میشود و باید رفع کرد يك حاکم يك وقتی در يك محلی است ممکن است منفسل شود و ضرورت اقتضا میکند يك کسی بجای او مدنی کفالت حکومت را بکند ولی لفظ موقت گذاشتن برای است که دولت نگذارد مدت کفالت طولانی شود و زودتر حاکمی معین کند و بفرستد پس ملاحظه میفرمائید که موقت و ضرورت هیچ تناقض ندارد مسئله دیگر که خیلی تکرار میشود و اقلاً خیلی عجیب است

آقایان حقیقه استخدام دولت و کار يك مملکت را آمده اند تنزل داده اند و به عملگی رسانده اند مثل اینکه میفرمایند يك عملیه یا يك فعلیه را روزی هشت قران الی يك تومان مزد میدهم و میگویم برو مملکتی کن حالا اگر گفتم روزی سه ساعت ناوه کشی بکن سه ساعت بیل بزن حق ندارد بگوید من بیل نمی زنم و همان ناوه کشی تنها می کنم اینطور نیست استخدام دولت هزار ملاحظات دیگر دارد مسئولیت زیاد و زحمت فکری در کار است معلوم میشود شما زحمت فکری و مسئولیت های وجدانی را در دنیا هیچ میدانید فلانکس که رئیس تلگرافخانه است ماهی صد تومان میگیرد و مسئولیت مهمی ندارد زحمت ندارد در اطاق می نشیند تفنن هم میکنند قلیان هم میکشد شما میخواهید او را بیاورید يك کار بزرگ و يك مسئولیت عمده که عبارت از کفالت يك ایالت و طرف شدن با اشرار و جواب دادن به انتریک و انتریکچی است باو تعجب کنید و حقوقهم باو ندهید چرا؟ برای اینکه از تلگرافخانه حقوق می گیرد. اینکه نمیشود فرق است بین کار مملکت و مسئولیتی که زحمت فکری و اخلاقی دارد یا مملکتی و فعلیه کی (بعضی اظهار نمودند مذاکرات کافی است)

رئیس - کافی است بعضی گفتند کافی است **آقای سید محمد باقر دست غیب** -

کافی نیست **رئیس** - گمان میکنم بعد از آنکه آقای دست غیب حرف زدند کافی شود.

سید محمد باقر دست غیب - بنده در جواب دلالتی که شاهزاده فرمودند میخواهم عرض کنم حضرت والا در اول دودلیل بیان فرمودند و يك دلیل هم در آخر در جواب آقای کازرانی فرمودند اما دو دلیل اول این بود که فرمودند صرفه دولت این است که در راپورت نوشته شده و مطلب را يك قدری کشاندند بطرف صرفه دولت و جواب این مسئله را بنده سابق عرض کردم که اگر غرض صرفه دولت است صرفه دولت این است که دو حقوق نگیرد و يك حقوق بگیرد زیرا بین دو حقوق و يك حقوق و نیم و يك حقوق البته يك حقوق بصرفه دولت نزدیک تر است و منطقی هم هست که يك حقوق بگیرد این راجع بصرفه دولت اما لفظ ضرورت و موقت در سابق گفته شد که اگر به روزی بگوئی چرا رئیس تلگراف خانه را حاکم کردی میگوید ضرورت اقتضا کرد یا چرا حاکم نمیفرستی جواب میدهم ضرورت اقتضا میکند اما راجع بلفظ موقت لفظ (موقت) يك عبارت است که حد معینی ندارد چنانچه مدت سه ماه هم موقتی است يك روز هم موقتی است و بالاخره پنجاه

سال و نود و نه سال هم موقتی است و اما در این آخر قیاسی فرمودند و مستخدمین دولت را مانند ناوه کشی تصور نموده اند که تکلیف بیل زدن زمین هم باو بشود این قیاس وارد نیست و مورد هم ندارد ولی چیزی که هست دولت میتواند مستخدمین خود بگوید که من شما را اجیر کردم یعنی روزی هشت ساعت اوقات خودتان را بمن فروخته اید و مانعی ندارد بآنها بگوید مثلاً چهار ساعت از این هشت ساعت را صرف بیل زدن و سه ساعت را صرف ناوه کشی و بالاخره يك ساعت دیگر را صرف فلان کار دیگر بکنند و البته دولت در تکلیف کار مستخدمین آزاد و مختار خواهد بود اما اینکه فرمودند گذاشتن این امر صلاح و صرفه مستخدمین است بلی صرفه مستخدمین است خوب اگر غرض تنها صرفه مستخدمین است خوب است عوض يك تومان در روز پنجاه تومان بآنها داده شود البته در این صورت بهتر رعایت صرفه و ملاحظه مستخدمین است خواهد شد زیرا هر چه بیشتر به مستخدمین داده شود زیاد تر صرفه آنها خواهد بود.

بنده عقیده ام این است حالا که آقایان میخواهند بدو شغل در باره یک نفر رأی بدهند اقلاً خوب است به دو شغل موظف رأی ندهند بنده که مخالفم و رأی نخواهم داد

رئیس - مذاکرات کافی است **محمد هاشم میرزا** - باینکه باید به فرمایشات آقا جراب داده شود معذرت کافی است

رئیس - باید رأی بگیریم (بعضی اظهار نمودند خوب است تجزیه شود)

مخبر - اگر تجزیه شود گمان میکنم قدری رأی بر آقایان مشکل شود زیرا اگر استثنائی که دارد از بین برداریم شاید در يك قسمت بعضی ها بمنوعیت قائل نباشند آنوقت شاید رأی ندهند و رأی صحیح در نیامده و غلط بشود.

محمد هاشم میرزا - بنده در باب تجزیه عرضی دارم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - آنچه خوانده شد نسخه اش را درست نداریم ولی گویا قسمت اول عبارت اینطور است که (ارجاع و جمع دوشغل متمایز با دو حقوق اداری ممنوع است) خوب است که اینجا يك قسمت و مابقی هم يك قسمت بشود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده در تجزیه حرفی ندارم ولی باید تربیتی باشد که با در نظر گرفتن اطراف مطلب و صحت

بتوان رأی داد قسمت دوم را ممکن است اینطور تجزیه فرمائید با حقوق ولی حقوق تا اشخاصی که ممنوع بودن بی حقوقی را قائلند بتوانند رأی بدهند والا اگر عبارت اینطور باشد و بنده رأی بدهم ممکن است رأی اول را رأی دوم باطل کند بجهت اینکه بنده وقتی که باوصف با حقوق باشد رأی میدهم و اگر بی حقوق باشد اصلاً در قسمت اول رأی نمیدهم زیرا باید يك مرتبه غین ماده را با حقوق و يك مرتبه هم بی حقوق رأی بگیریم والا غیر از این نمیشود.

رئیس - ایراد سر کار والا وارد نیست بجهت اینکه در قسمت اول رأی میگیریم یا رأی میدهند یا نمیدهند اگر رأی دادند به مابقی رأی میگیریم و اگر هم به قسمت اول رأی ندادند بدومی رأی نمیگیریم پس ایراد حضرت والا وارد نیست **محمد هاشم میرزا** - اجازه میفرمائید توضیح بدهم

رئیس - بفرمائید **محمد هاشم میرزا** - مستثنی نه کلیه يك مطلب است که مجموع آن در فکر بنده اسباب رأی دادن میشود مثلاً اگر بنده عقیده دارم که بی حقوق باشد رأی نمیدهم و اگر عقیده داشته باشم که با حقوق باشد رأی خواهم داد پس در قسمت اول که نمیدانم مواد بعد تصویب میشود یا نه چطور رأی بدهم و اگر رأی بدهم يك رأی مجملی خواهد بود زیرا نمیدانم رأی بنده چه خواهد شد بنابراین گمان میکنم ایراد بنده وارد باشد

رئیس - اگر رأی دادید و معلوم شد با حقوق ممنوع است آنوقت معلوم میشود بی حقوق مجاز است و اگر به قسمت اول رأی ندادید معلوم میشود که بی حقوق و با حقوق هر دو مجاز است مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم.

(مجدداً بمضمون فوق قرائت شد) **رئیس** - بدو رأی باین قسمت می گیریم که ارجاع دوشغل متمایز با دو حقوق ممنوع است آقایانی که این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد قسمت دوم را اینطور نمیشود رأی گرفت باید تفکیک کرد قرائت میشود بعد تکلیفش معلوم خواهد شد.

(شرح ذیل قرائت شد) و اگر يك نفر مستخدم در صورت ضرورت بطور موقت مأمور تصدی شغل دیگری شود بشرایط ذیل مرعی خواهد بود

رئیس - عیبی که دارد این است که ممکن است بعضی از آقایان عقیده شان این باشد که دوشغل را میشود با شرایط دیگری يك نفر ارجاع کرد آنوقت باین قسمت رأی

نخواهند داد.

محمد هاشم میرزا - اگر يك لفظ (جائز است) نوشته شود درست خواهد شد.

رئیس - کمیسیون قبول دارد لفظ جائز است نوشته شود

مختبر - بلی

رئیس - آقای گروسی - راجع باین مطلب است یا درخصوص رای گرفتن فرمایشی دارید

آقای شیخ محمد حسن گروسی - راجع به این مطلب است خوب است قرائت شود تا این مطلب را عرض کنم (شرح ذیل قرائت شد)

و اگر يك نفر مستخدم در صورت ضرورت بطور موقت مأمور تصدی شغل دیگری شود جائز است

رئیس - عبارت را کمیسیون بایست اصلاح کند.

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اینکه نوشته اند جائز است لزومی ندارد همان عبارتی را که کمیسیون نوشته کافی است برای اینکه ممکن است بعضی از آقایان عقیده داشته باشند بعضی از حقوقها را حذف یا کسر کنند در این صورت باین عبارت رای نخواهند داد پس عبارتی که خود کمیسیون نوشته است خیلی خوب است و کلمه جائز است لازم نیست و بعقیده بنده همان عبارت کمیسیون کافی و خوب است منتهی بعد باید آقایان تکلیف آن شرایط را معین کنند و اگر هم هیچ تعویب نکردند حقوق بدهند بکلی شرایط ذیل رد میشود بنابراین بنظر بنده عبارت صحیح است

رئیس - چون مقارن ظهر است اگر آقایان اجازه می فرمایند جلسه را ختم می کنم و بقیه مذاکرات میماند برای جلسه دیگر.

(از طرف جمعی گفتند صحیح است) رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - شاهزاده نصرت الدوله دو ضمن توضیحات اخیر خودشان راجع بحفظ حقوق صاحبان مشاغل دولتی در این اینکه خواستند حقوق آنها را حفظ بفرمایند جمله فرمودند که توهین بحقوق و شرافت يك قسمت عمده از اهالی این مملکت شد (شاید هم سوء تفاهم شده باشد) این است که بنده اجازه گرفتم مطلب را عرض کنم شاید سوء تفاهمی که برای بنده دست داده رفع شود ایشان در ضمن بیانات خود این جمله را فرمودند که (آیا پسندیده است شغل مملکتی را اینقدر پست کنیم که با يك نفر عمله و يك نفر زارع برابر کنیم)

(بعضی گفتند زارع نگفتند) سلیمان میرزا - عمل که گفتند

و گویا مثل هم زدند که با يك ناوه کش یا يك عمله برابر کنیم بنده این عبارت را توهین بر عمله میدانم حتی اینکه اگر ما يك حاکم خائن را که هنوز محاکمه نشده است با يك نفر عمله برابر بگیریم بنده هتک شرف آن عمله میدانم و همچون نسبتی را که بطبقات کارگر و زارع بر موهن می شمارم در صورتی که يك نفر مأمور مالیه که مبالغ زیادی مال دولت را دزدیده و هنوز بر ائمه ذمه خود را حاصل نکرد صاف و بی پروا راه می رود و ابداً بیعی هم ندارد

چطور يك همچو آدمی را با عمله رنجبر زحمتکش که شرافتش از او برتر است و پیوسته مشغول زراعت است برابر می کنیم و بالاخره با این نوع اشخاص که بعقیده بنده خدمتگزاران واقعی مملکت و با شرافت ترین و محترم ترین طبقات این مملکت هستند چطور می توانیم در ردیف هم فرض کنیم.

در صورتی که اساس مشروطیت برای حفظ حقوق همین طبقه از مردم برپا شده بنده نسبت بسهم خودم به چوچه حق نمی دهم و زارع (آن وزرائی که بموجب قانون اساسی باید معا که شوند و بدبختانه هنوز محاکمه و بری الذمه نشده اند) خودشان را در ردیف و در زمره عمله و کارگر شمرده و در سلك آنها محسوب دارند بنده بنام تمام اهالی رنجبر و زحمتکش و فقراء این مملکت باین جمله پروتست می کنم. البته در ادارات هم مردمان زحمتکش هستند و نمی خواهم بآنها حمله کرده باشیم زیرا تمام اهالی این مملکت دارای حیثیت و شرافت هستند و متفقاً برای خیر و برای صرفه و صلاح این مملکت کار می کنند و هیچ تفاوتی در این میان نیست بلکه يك نفر عمله که از صبح تا شام در حرارت و گرما زحمت کشیده و ناوه کشی می نماید و پنج قران اجرت می گیرد از حیث شرافت و حقوق بر يك والی و فرمانفرمایی که فقط در يك جا نشسته و قلیان می کشد و عاقبت هم در نتیجه سوء تدبیرش يك مملکتی را غرق آتش و دریای خون می کند ترجیح دارد و اولی می شمارم.

بنده يك عمله کارگر را با يك وزیري که در موقع اعمال سیاست يك خطها و خطاهای غیر قابل جبرانی کرده است بهیچ وجه طرف نسبت نمی دهم و مقامش را هم بالاتر و ارجمندتر فرض می کنم و این چنین شخص زحمتکش را در پیش وجدان خود با شرافت تر می دانم تا آن آقایانی که با انومیل شریف می آورند و هزاران خطا هارا مرتکب می شوند.

در صورتی که فلان مأمور یا فلان حاکم اگر در دوره تصدی خود کارهای خود را بطور درستی انجام داده و کاملاً اعمال وظیفه بنماید تازه وظیفه خود را انجام داده اما نمی دانم راجع بمأمورین چه عرض کنم که

يك قسمت از این آقایان چه اقداماتی می کنند و چه خلافهای مرتکب شده اند و هنوز خودشان را بری الذمه نکرده اند آیا کسی می تواند بگوید این بدبخت هائی که در این هوای گرم تابستان مشغول در بیابان هستند و زحمت می کشند خلاف و خیانتی باین آب و خاک کرده اند؟

گمان می کنم خود شاهزاده نصرت الدوله هم این مقصود را نداشتند و سوء تفاهمی برای بنده حاصل شده است و چون بنده تمام افراد این مملکت را متساوی - الحقوق و شرافتمند و برابر می دانم و فرقی بین کار کردن والی و عمله نمی گذارم از این جهت مبادرت باین عرایض کردم زیرا اولی چند ساعت کار می کند و مبلغی حقوق می گیرد و دومی هم از دسترنج و حاصل زحمت خود متمتع و بهره مند میشود بلکه فرقی که در میان هست این است که کار والی راحت است و در ضمن تصدی خود شاید عکار خلاف و تأمین آتیه هم می کند.

ولی تاکنون هیچ دیده نشده که يك دیناری حقوق تقاعدی در حق يك عائله فقیر بیچاره پریشان منظور و برقرار شود و چون فلان زارع و کارگر بدبخت دستش بمقامات عالی نمیرسد هیچوقت پنج شاهی حقوق در باره اش منظور نمی شود و وقتی هم که فرضاً در باره یک دسته از فلکزدگان و بیچاره هائی که دست یابا و بالاخره جان خودشان را در راه این مملکت فدا کرده اند و پنج تومان مستمری برقرار می شود تومانی دو ریال هم بآنها داده نمی شود در صورتی که حضرت اشرفها تصویب نامه صادر کرده تومان تومان دریافت می دارند بلکه در این مملکت اشرف تومان تومان ولی فقراء و ضعیفاء که پنج تومان بیشتر حقوق ندارند و در عسرت و درماندگی هستند تومانی دو ریال میبرند با این حال بنده نمی پسندم توهین بآنها بشود این است که عرض می کنم اگر مقصود حضرت والا این نبود خوب است توضیح بفرمائید تا رفع اشتباه از بنده بشود.

نصرت الدوله - باید تصدیق کنم که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا از نقطه نظر عمل ورزیده هستند و موارد جلب افکار و نظریه روزنامه نویسا و تماشاچها را خوب میدانند و زودهم آن هارا جنب می کنند.

ولی خوب بود غیر از قضیه توضیح و سوء تفاهم برای او اسم دیگری میگذاشتند زیرا آنوقت بنده را مجبور نمی کردند که پشت تریبون آمده و این عرایض را عرض کنم که توضیح خواستن و سوء تفاهم در موردی است که عین عبارات گوینده تعجید یا تکرار شود نه اینکه يك حشو زوائدی بر او اضافه شود و آنوقت اسم آنرا سوء تفاهم بگذارند حضرت والا خواستید يك موقعی

بدست بیاورید و نظرتانهم بحرف زدن با بنده و آقایان نبود نظرتان بجای دیگر بود بنده هم مخالفت ندارم و حاضرم گوش بدهم اما اصل مسئله را اگر بخواهید اعتراض بکنید بنده اسم عمله و ناوه کش را آوردم ولی مقصودم از این کلمه اعتراض به آقایانی بود که اینجا نشسته و مخالف با دوحقوق درباره یک نفر بودند و مقصودم اعتراض بطور تفکیک کردن قضایا بود که شما و آقایان عقیده داشتید چنانچه حالا هم همان اعتراض را کرده و باز هم خواهم کرد ابداً صحبت از شرافت و شرافتمندی اشخاص در بین نبود حقیقتاً شرافت داشتن یا بیشتر شرافت داشتن يك مأمور و مستخدم دولت نسبت بناوه کش و عمله در کار نبود زیرا شرافت نه بحکومت است نه بناوه کش است نه بوکالت است نه بامارت است نه بریاست شرافت بهیچیک از آنها نیست شرافت باخلاق درست و وجدان پاک است هر کس در هر مقام که باشد اگر این مراتب را مراعات و ملاحظه کند شرافت مند است حالا بنده چه فرض کنم صحبت از فروختن وقت بود مروختن وقت يك معنائی دارد البته وقت هر کس متمایز است يك مثلی بجهت حضرت والا می زنم يك طبیعتی که رفته است و مدت سی سال زحمت کشیده و تحصیل کرده و يك طبیب حاذقی شده است وقتی که شما تب می کنید و به آن طبیب مراجعه می فرمائید بدون اینکه زحمت بکشید و عرق بریزد و به کد یمین مملکت را نگاهداری کند (چنانچه زارعین نگاهداری می کنند) بعضی اینکه نبض شما را گرفت در نتیجه زحمت سی ساله طبیب شما پنج تومان باومی دهد برای پنج دقیقه یا ده دقیقه مصروف داشتن وقتش اما يك کسی را می آورند و به او می گویند بیا این دیوار را خراب کن و يك صبح تا غروب باید آن عمله بدبخت در آفتاب جان بکند و حضرت والا باتمام نوع برستی که دارید اگر پنج تومان به او دادید و ابداً نداده و نخواهند داد خودتان مکرر در اینجا فرموده اید رجحان علمی و ترجیح اطلاعی را باید در نظر گرفت حالا هم بنده عرض می کنم که مقصود بنده مشاخره نیست که بعد حضرت والا بفرمایند کدام مأمور و کدام حاکم را با این مرجعات بمأموریت فرستاده اند اگر نمی فرستند بد می کنند البته باید مرجعات در نظر گرفته شود اما قانون گذار وقتی که در مجلس می نشیند و يك قانونی برای مملکت وضع می کنند همیشه باید نظرش به خوب و بهیچ باشد نه اینکه نظرش به يك مأمور بد باشد اگر يك مأموری بد است باید آن بدی را زیر پا گذاشت و گویند ولی حق چیست؟ حق این است که يك کسی که خود را مسئول سلامت و سعادت پانصد هزار شهید هزار نفر جمعیت می کند باید برای فکر او اطلاعات

او سوابق او یک مقامات و مراتبی را قائل شد و البته این شخص بایک نفر اجزاء تلگرافخانه بایک نفر اجزاء کمرک که آنرا مأمور می کنند برود در فلان نقطه و از روی تفرقه کمرکی کمرک بگیرد خیلی فرق می کند پس وقتی که این مقامات را در نظر بگیریم معلوم میشود اینکه می گویند فلان مأمور دولت وقتش را فروخته صحیح نیست وقتی که یک کاری را به بنده رجوع می کنند قبلاً نگاه می کنم به بنیت برای من چه قدر زحمت دارد حضرت والا چرا وزیر نمیشوند؟

چرا وقتی که شما تکلیف میکنید مقام وزارت را قبول کنید قبول نمی کنید؟ و وکالت را برای خودتان ترجیح می دهید البته پیش خودتان اجتهاد کرده اید و در لوای وکالت یک زحمت های کمتر و یک میدانهای وسیع تری را دارا هستید که بهتر می توانید افکار خودتان را پیش ببرید البته در دنیا هر کس یک کار را قبول می کند نگاه میکنند بمقدار مسئولیت آن کار مثلاً یک کسی وقتی به صد تومان حقوق راضی میشود که در کاریر وزارت معارف یا در کاریر تلگراف خانه داخل شود و خودش را به آب و آتش نمی زند و دوندگی نمی کند که ابتداء حکومت محلات و کاشان را بگیرد تا رفته رفته به ایالت فارس برسد برای این است که کمتر زحمت بکشد و کمتر مسئولیت داشته باشد پس شما وقتی که یک نفر گفتید مسئولیت یک کار بزرگی را قبول کن دیگر نمی توانید به او بگوئید تو وقت خودت را فروخته و باید کار دیگری هم بکنی خیر آن شخص وقت خودش را فروخته است برای همان کار این حقوق که به او داده میشود برای همان تلگرافچی است نه کار دیگر.

دیگر نمی توان بآن شخص که برای تلگراف کردن به او حقوق داده می شود بگویند تو چون وقت خودت را فروخته برو چنگ کن که یک کدوله هم تنگ بفلت بغور و البته اگر او می خواست چنگ بکند داخل نظام می شد صاحب منصب و فرمانده میشد پس اینجاموضوع شرافت نبود شرافت مربوط بریاست و امارت و وکالت و عمله کی نیست.

مربوط باخلاق است بنده تصور نمی کنم سوء تفاهم شده باشد بلکه بقول بعضی از آقایان سوء تفاهم شده است حضرت والا اگر مطلب بنده را شنیده بودند یا می خواستند بشنوند برای ایشان سوء تفاهم نمیشد که بنده بیایم اینجا و توضیح بدهم البته بنده کسی که حقیقتاً با کدیمین و هرق جبین برای خود و مملکت خود کار می کند پیش از حضرت والا قدرش را می دانم و یقین بدانید آن اشخاص هم بنده را پیش از حضرت والا برای خود بسوز

می دانند زیرا حضرت والا در اینجا برای آنها حرف خوب میزنند و بنده با زور خودم با پول خودم با فکر خودم سعی می کنم که آنها را در کنار چقه تراز شرکردها حفظ کنم من خودم برادرم یادگیری یادگیری میرویم خود را بکشتن می دهیم که آن ده و آبادی را که از آن بهره می بریم از شر لرها و کردها حفظ کنیم در مملکتی که در این سنوات اخیر قشون مرتب نبود کی این مملکت را از شر کردولر و دزدان محافظت می کرد. در اینجا سوء تفاهم نشود در میان لرها هم اشخاص صحیح و خوب هستند.

سردار معظم کردستانی -

در میان کردها هم همینطور
نصرت الدوله - البته بهر جهت بنده آن اشخاص زارع و رنجبر را خیلی با شرافت می دانم و هیچوقت هم راضی نمی شوم نه بشرافت آنها نه به حیثیت آنها لطمه وارد بیاید و انشاء الله حضرت والا هم از عرایض بنده قانع شده اند
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - وقت گذشته است

محمد هاشم میرزا - آقا بعد از ظهر است
رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - چنانچه بنده تمام فرمایشات حضرت والا را گوش کردم عقاید خودم را هم اظهار کنم و لوا اینکه آقایان هم تشریف ببرند منتهی از مقام ریاست اجازه می گیرم و در جلسه دیگر در اول جلسه عرض می کنم اولاً در اینجا متذکر می شوم هم حضرت والا و هم بسایر رفقای ایشان که این اسلحه خیلی کهنه شده که تاهر کس بخواهد حرف بزند بگویند برای مردم و تماشای حرف میزنند این مسئله را در جواب مخالفین خودشان خوب است دور بیندازند این اسلحه هیچ منطقی نیست بنده صاف و پوست کنده عرض می کنم برای حفظ حقوق جماعتی از مردم که فقراء هستند کوشش می کنم حالا شما هر چه می خواهید تصور بکنید و هر اسم می خواهید روی آن بگذارید می خواهید بفراشه بگوئید ما گوزی است یا اینکه بگوئید برای تماشای و ارباب جراند حرف می زند یا به اصلاح جدید هو بکنید بنده که از هو در نیروم

نصرت الدوله - بنده هم همینطور
سلیمان میرزا - بنده صاف حرف های خودم را میزنم و بقول آقای زنجانی که یک روز فرمودند قلب کسی را نشکافته اند که به پیشند در قلب هر کس چیست؟

مثل حضرت والا هم تمول ندارم که در مقابل هجوم دزدها و غارتگرها با تمول خودم از رعایا محافظت کنم چنانچه آقای مدرس ضرب المثلی را در مجلس معمول کرده اند بنده هم ضرب المثلی می زنم که خیلی عوامانه است. مشهور است (گرچه هوش را برای رضای خدا نمی گیرد) برای نفع خودش می گیرد یا برای نفع صاحب خانه

نصرت الدوله - اشتراک منافع است

سلیمان میرزا - شبان با قصاب که گوشتند را می پروارند و از هر گریه او را حفظ می کند برای حفظ جان بره است یا برای اینکه در پایاب امر در سر سفره می خواهد از کباب بران آن بره میل نماید؟ بنده صاف عرض می کنم متمولین کدها نشان را حفظ می کنند برای خوش آمد رعایا نیست برای راحتی خودشان است پس خوب است منتی بر رعایا و زارعین نگذارند زیرا خود حضرت اقدس والا از زحمات و خون و عرق زارعین و رعایای بی چاره است که این تمولات فوق العاده را تهیه نموده اند همین خون و عرق رعایا است که بشکل پول و یارک درآمده است حضرت اقدس والا و سایر متمولین بواسطه تمیض و تفریح و زیاد کردن آن پولها و عیاشی است که بدبخت زارع را مثل یک عامل کاری برای جلب منافع خودشان حفظ می کنند چنانچه اسباب زراعتی خودشان را حفظ می کنند ماشین های کار خود را حفظ می کنند با مثل حیواناتی که برای زراعت خودشان حفظ می کنند آنها را هم اینطور حفظ می کنند و یک قوت لایموتی که باو میدهند برای این است که از وجود آنها بیشتر استفاده نمایند. بنده چون نخواستم این استفاده را بکنم تمول هم جمع نکردم و گرنه ممکن بود در این مدت بیست سال انقلابات مثل خیلی اشخاصی که در این مدت انقلابات دارای همه چیز شدند بنده هم صاحب همه چیز بشوم ولی چون نخواستم بدون حق و بدون نظر انصاف چیزی بمن برسد به همین حقوق و کالای خودم قناعت کرده و زندگانی نمودم حتی برای این مدتی که مسافرت نمودم و زحمت کشیدم و این همه صدماتی که بمن رسیده به هیچ دولتی اظهار نکردم که فرسخی پنج قران خرج مسافرت بمن بده

مستشار السلطنه - اغلب آقایان اظهار نکردند

سلیمان میرزا - بهر جهت چون این کارها را نکردم و نخواستم بکنم یارک نساختم و متمول نشدم که با تمول خودم آنها را حفظ کنم.
بنابراین خداوند چیزی که بمن داده این است که بیایم در پشت این کرسی نطق

و فریاد بزنم و با همین داد و فریاد آسایش و حق فقر و وضعف را که بمقیده خودم دوخت و طرفدار آنها هستم حفظ می کنم.
این مسئله را خوب فرمودند که سه دوره و کبیل بوده ام و موقع را خوب می شناسم هر وقت بر علیه همان رعایا و زارعین حرفی زده شود که منافی حیثیات آنها باشد البته دفاع میکنم.

عین فرمایش حضرت والا را دومرتبه تکرار می کنم و اگر حشو زوائدی بر آن اضافه کردم فوراً اصلاح بفرمائید فرمودند کار مأمورین دولت را آنقدر نباید بست کرد مثل عمله و ناوه کش.

بنده اشکاتم در همین کلمه بست کردن است بنده کار را می دانم و در سر پستی و بلندیش با حضرت والا حرف دارم آن زارع را که از او دفاع می فرمودید و می فرمودید دلتان بیشتر از من برای آن ها می سوزد.

نصرت الدوله - البته همین طور است و قطع هم دارم.

سلیمان میرزا - بنده کار آن زارع را بست نمیدانم و باز هم تکرار می کنم که همه اشکال بنده بحضرت والا در سر همین موضوع است که آنها را بست کردید حالا اگر این طور نبوده است و بنده اشتباه کرده ام حضرت والا توضیح بدهید بنده هم حرفی ندارم منتهی در ضمن آزادی نطقم استفاده کردم از اینکه ناله یک مشت زارع و فقیرا بگویم که آنها را بست کرده اند و دستشان بیشتر بمقامات عالیه میرسد در موقع گرفتن حقوق تصویب نامه صادر کرده و حقوقشان را تومان تومان می گیرند ولی بدبخت فقراء نه دستشان بمقامی میرسد نه میتوانند تصویب نامه صادر کنند و نه میتوانند تومان تومان حقوق بگیرند.

حقیقتاً اگر در این قسمت حضرت آقای رئیس می فرمودند خارج از موضوع است صحیح بود و حقیقتاً هم خارج از موضوع بود.

چنانچه بعضی از فرمایشات حضرت والا هم خارج از موضوع بود بهر جهت باز هم تکرار می کنم که بنده سخت طرفدار این مسئله هستم که اسم فقراء و اشخاص بی تمول بست برده نشود حالا اگر حضرت والا لفظ بست را فرموده اند که تمام اعتراضات بنده وارد است و اگر فرموده اند معلوم میشود سوء تفاهم یا سوء تفاهم است و عرضی ندارم.

یک نفر از نمایندگان - آقا کافی است.

سلیمان میرزا - آقایان دیگر اجازه نمی فرمایند عرض بکنم بسیار خوب بنده هم دیگر عرض نمیکنم.
رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود و جلسه را ختم میکنم.

(شرح ذیل قرائت شد)

از آنجائی که تجدید انتخابات همیشه برای خزانه دولت مستلزم مخارج فوق العاده و در حوزه انتخابیه موجب کشمکش و رقابت هائی است که اقل ضرر آن تأخیر انتخابات و تعطیل کرسی های مجلس شورای ملی است.

لذا برای حسن جریان امور تقنینیه که محتاج به ثبات فکر و دوام رویه و عمل است و برای اینکه از اختلال تبدلات یی در پی جلو گیری شده و مقام نمایندگی ملت نیز منتسب بهیچ گونه غرضی نباشد مواد ذیل پیشنهاد میگردد.

۱- هر کس بنماینده گئی مجلس شورای ملی انتخاب شود و قبول نمایندگی کند در تمام مدت دوره تقنینیه و لوازم نمایندگی استعفا دهد نمی تواند هیچک از مشاغل موظف دولتی و صومعی را عهده دار شود.

۲- مفاد ماده فوق شامل نمایندگان دوره حاضر نیز میباشد.

رئیس - ارجاع میشود به کمیسیون مشترکات.

جلسه آتی روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر.

دستور اول - لایحه راجع به مستمریات دوم - لایحه تقاضای اعتبار برای اعزام به تحصیل نظامی بیادیس - اگر وقت باقی ماند لایحه حق العبور طهران بدماوند مطرح می شود.

مجلس سه ریح بعد از ظهر ختم شد رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه ۱۰۰

صورت مشروح مجلس يوم سه شنبه شانزدهم جوزا ۱۳۰۱ مطابق نهم شوال ۱۳۴۰ مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس يوم شنبه سزدهم جوزا را آقای امیرناصر قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی هست یا نه

مخالفی نبود

رئیس - چون مخالفی نیست صورت مجلس تصویب شد راپورت شعبه پنجم راجع بنماینده گئی آقای سالار معظم بنا بود جزو دستور امروز بشود طبع و توزیع هم شده است اگر مخالفی هست اظهار بکنند آقای تدین

(اجازه)

آقای سید محمد قدین - مخالفت بنده با این راپورت و نمایندگی آقای سالار معظم از دو جهت است باوجود اینکه بنده نسبت صلاحیت شخصی ایشان معارضه ندارم و ایشان را بشخص ظاهر الصلاحی می دانم ولی آن دو جهت که موجب مخالفت بنده شده است یکی راجع به جریان انتخاب است و دیگری راجع بقصدان یکی از شرایط همه منتخب البته تمام آقایان می دانند در

موقعی که انجمن مرکزی يك نقطه اعلان انتخابات را اشاعه میدهد فاصله مابین نشر اعلان و توزیع تعرفه مطابق قانون انتخابات افتاده روز واکثر آیکماه است و در انتخابات تون وطبر و بشریه و گن آباد اینطور نبوده است حد فاصل مابین نشر اعلان و توزیع تعرفه مطابق تصریحی که در این راپورت کرده کمتر از ده روز بوده وقتی که انسان مراجعه بصورت مجلس انتخابات می کند يك عبارتی در آنجا نوشته است که از آن عبارت اینطور استفاده می شود که فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه خیلی کم بوده است

برای اینکه عبارتی که در صورت مجلس انتخابات آنجا نوشته شده این است که میگوید انجمن نظارت مرکزی در روز دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰ جلسه اولیه خود را تشکیل داده و در تحت نظارت نایب - الحکومه هیئت ریس خود را انتخاب کرد پس از قراغت از انتخاب هیئت ریس در جلسه بعد شروع بسایر وظایف قانونی خود نموده و اعلامی مطابق قانون انتخابات ترتیب داده منتشر نمودند که از روز هجدهم جمادی الاولی تا بیست و ششم توزیع تعرفه خواهد شد

اینجا اگر این عبارت (در جلسات بعد شروع بوظایف قانونی خود نموده) را نمیداشت ظاهرش این بود که در روز دوازدهم اعلان داده اند و در روز هجدهم شروع بتوزیع تعرفه نموده اند و فاصله مابین نشر اعلان و توزیع تعرفه شش روز بوده است و شش روز کمتر از مدتی است که در قانون معین شده

ولی این عبارت که در صورت مجلس ذکر شده و میگوید در جلسات بعد شروع بوظایف قانونی خودشان کردند صریح در این است که در روز دوازدهم اعلام منتشر نشده است ممکن است در روز چهاردهم یا پانزدهم یا دوسه روز بعد اعلان منتشر شده باشد پس از این عبارت همچو معلوم میشود که فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه کمتر از ده روز بوده و چون بطور قطع معلوم نبوده در این راپورت قطعاً ذکر نشده فقط عنوان می کند که فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه کمتر از ده روز بوده لهذا اعتراض من به کمیسیون وارد است یکی از نمایندگان کمیسیون نیست شعبه است

قدین - بلی پیشنهاد شعبه اگر چه فرق نمیکند به حال شعبه این مخالفت قانونی را تصریح کرده و میگوید این مخالفت قانون شده ولی مستمسک شده است بسابقه آنهم بایک عبارتی که تصور میکنم ذکر این عبارت برخلاف واقع باشد و منافی با حیثیات مجلس باشد چون میتوانست چیزی که مخالفت با قانون داشته باشد در

صورت مجلس دیده نشده مگر اینکه مدت اعلان انتخابات مزبور را انجمن مرکزی تون کمتر از ده روز قرارداد و چون این قبیل مخالفت قانونی را در بعضی شعب و مجلس مقدس مورد توجه قرار نداده اند الی آخر بنده با این تعبیر مخالف هستم

زیرا هیچوقت مخالفت قانون طرف بی اعتنائی مجلس واقع نشده بنده تصور میکنم نظر شعبه بسابقه بوده که راجع به بعضی از نقاط فارس مجلس رای داد

آقای سید یعقوب - راجع بفارس نبود.

قدین - چرا بعضی از نقاط فارس بود.

محمد هاشم میرزا - صحیح است راجع بفسا بود قدین - و اینکه مجلس رای داد از نقطه نظر فلسفه و روح قانون بود نه از نقطه نظر بی اعتنائی و مخالفت با قانون بعضی گفتند صحیح است

بنابر این مطابق صورت مجلس و عباراتی که متخذ از صورت مجلس است و بمرض آقایان رساندم بطور قطع و تحقیق فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه از شش روز هم کمتر بوده و این را نمیشود عطف بسابقه کرد برای اینکه آن دلیل در اینجا به هیچ وجه جاری نیست

بخطایم است این فلسفه که در سابق نسبت به بعضی از نقاط اظهار میشد بواسطه کوچکی مجلس بود و میگفتند چون محل کوچک است احتیاج بطول مدت ندارد و ده روز هم زیاد است ولی مسئله تون وطبر و گن آباد و بشریه که تقریباً بیست فرسخ دوسی فرسخ خاک است یا بندر لنگه...

محمد هاشم میرزا - صد فرسخ در چهل فرسخ است

قدین - دیگر بهتر بقول حضرت والا وسعت خاکش از اینها هم که بنده عرض کردم زیاد تر است

بنابر این طرف مقایسه بانقاطی که در سابق محل بحث بوده نمیشود در یک جائی که سی فرسخ در چهل فرسخ یا زیادتر طول و عرض خاکش است نمیشود قائل شد که کمتر از شش روز فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه باشد

بنابر این در اینجا رعایت يك ماده از قانون انتخابات نشده است دیگر اینکه در اینجا اظهار می کنند شکایتی نرسیده بود بلی مطابق تحقیقاتی که بنده کرده ام شکایتی بشعبه نرسیده ولی يك قضیه عجیبی اتفاق افتاده است که بعضی آقایان میرسانم مطابق صورت مجلس و راپورت در دوازدهم جمادی - الاولی انتخابات شروع شده و در بیست و هشتم جمادی الثانیه خاتمه یافته و در دوم جمادی - الثانیه شخص طبسی کتباً شکایتی بتوسط

یست بمقام محترم ریاست مجلس شورای ملی میفرستند و شکایت می کند آلا نهم عریضه اش حاضر است

شکایت آن شخص از سوء جریان انتخابات است بطور کلی شکایتش متبنی بر روی دو اصل است یکی اینکه میگوید میخواهند این شخص را بطور اجبار و فشار در تحت نفوذ والی ایالت به انجمن مل کنند و دیگر اینکه ما بآباد ایشان را نمی شناسیم و معروفیت معلی ندار ندان عریضه بمقام محترم ریاست مجلس شورای ملی میرسد روز بیست و هشتم دلو از طرف مجلس شرحی بوزارت داخله نوشته می شود (سوادش الان حاضر است) که چون شکایتی میرسد لازم است شهادت دور بدید و از سوء جریان انتخابات جلو گیری گنید

و در همان روز از طرف وزارت داخله جواب میدهند که ما هم دستور دادیم و اقدامات مجدانه می شود

این جواب وزارت داخله وارده کمیسیون عریض می شود کمیسیون عریض در چهارم حرت می نویسد ضبط شود و این یکی هم مثل سایر اوراق البته اینها يك غفلت هائی بوده و عمدی نبوده

است تا اینکه در جلسه گذشته که این راپورت مطرح شد و بنده مخالفت کردم تذکری داده شد و در نتیجه معلوم شد که شکایتی هم هست و گویا دیروز از قراریکه مغیر محترم اظهار می کردند بشعبه فرستاده اند پس بناء علیهذا این هم يك موضوع مشکلی است. آیا تکلیف اینورقه شکایت چه چیز است آیا این شکایت را باید ارجاع بشعبه کرد یا به کمیسیون تحقیق و یا اینورقه شکایتی که رسیده است باید بلا اثر بماند حال جهت دوم مخالفت خود را عرض می کنم و آن راجع است به عدم معروفیت معلی منتخب بنده خیلی متأسف هستم که اینجا مصادف می شوم با سالار معظم ولی البته نظر شخصی بهیچ وجه نسبت بایشان ندارم و ایشان را شخص ظاهر - الصلاحی می دانم و بلکه اگر از يك معلی معلی انتخاب شوند که معروفیت معلی داشته باشند و جریان انتخاباتشان هم صحیح باشد البته اول کسی که بایشان رای خواهد داد بنده خواهم بود ولی از این نقطه تا سفاخانه اینطور نبود و ایشان را در خراسان و تون وطبر و گن آباد و بشریه کسی نمیشناسد از آنجا که بگذریم در خود طهران هم در هزار تفریک نفر شخص ایشان را نمی شناسد مثل اینکه بنده که بیست سال است در طهران هستم و اغلب اشخاص را میشناسم تا موقعی که ایشان به مجلس تشریف نیاورده بودند ایشان را ابد نمی شناختم. البته تصدیق می فرمائید قضایائی که در مجلس مطرح می شود بخصوص در این مجلس چهارم و هم بطور سایر مجالس گذشته زود سابقه می شود در دو نقطه يابك نقطه برای فلسفه و روح قانون که مجلس رای داد حد فاصل بین نشر اعلان و توزیع تعرفه کمتر از ده روز بوده عیب ندارد و بروح قانون سکنه وارد نمی آورد و الان این مسئله برای شعبه سابقه و مدرك شده است مسئله معروفیت معلی یکی از شرایط مهم قانون انتخابات

است و واقعاً اگر ما این مسئله را طرف توجه قرار ندهیم تصویر می‌کنم دیگر در آئینه نباید منتظر رعایت این اصل مهم بود چرا چون در مجلس سابقه شده است - بعلاوه بنده مخالف هستم با اینطور والی ها و حکام بطور مطلق خواه والی خراسان باشد خواه آذربایجان خراسان فارس خواه حاکم مازندران خواه گیلان خواه ساوجبلاغ بنده مخالف هستم با اینکه حکام بخواهند علاوه بر اینکه والی می‌شوند و هزار گونه منافع مشروع و غیر مشروع برای خودشان جلب می‌کنند این يك حق مشروعی را هم که نتیجه حکومت ملی است غصب کنند . آقای نظام السلطنه فرسیده بخراسان یعنی در اوایل ورودشان اول کاریکه می‌کنند پسرشان را تحمیل بر اهل تون وطبس و گن آباد و بشرویه می‌کنند پس کی باید ایرانی از حق شروع خودش استفاده بکنند ؟ تمام مقامات را که چند نفر منتقد می‌خواهند احتکار کنند وزارت است همینطور امارت است همینطور ریاست است همینطور دور میزند در دور يك طبقه و ملت فقط دلش خوش است باینکه يك آزادی انتخابی دارد و می‌تواند يك نفر وکیل انتخاب کند آنهم مطابق شکایتی که میرسد تصرییح کرده که بزور بما تحمیل کرده اند و ما ایشان را نمی‌شناسیم بنابراین باید نظام السلطنه ها فرمانفرما های ایالات و ولایات بدانند که این اختار را ندارند و این حق مشروع ملت را نمی‌شود غصب و یا مال و در خانواده خود احتکار کرد والا بنده باالصراحه اینجا عرض می‌کنم اگر چنانچه این مسئله طرف توجه آقایان واقع نشود (و یقین دارم البته طرف توجه آقایان خواهد شد) چون مقصودی ندارم مسلم دارم که کسری و بقیه و کلاه که متجاوز از چهل نفر است تماماً از اهوان و اندار و قوم و خویش هر والی و هر حاکم انتخاب خواهد شد و همین مسئله امروز برای این قضایا سابقه می‌شود بنابراین باید منتظر بود که این حق مشروع ملت از این تاریخ به بعد در معرض خطر و بیچاره ایرانی از این حقی که یکی از لوازم حکومت ملی است و باو داده شده محروم بماند ، این است خلاصه عرایض بنده بنده بحضور مبارک آقایان دیگر حکم بش با آقایان معترتم است

رئیس - آقای اقبال السلطان هم

مخالفند .

اقبال السلطان - خیر موافقم

رئیس - بفرمائید

اقبال السلطان - چون بنده یکی از اعضاء شعبه پنجم هستم و در شعبه نمایندگان آقای سالار معظم را تصدیق کرده ام از این جهت ناچار شدم در مجلس شورای ملی عرایض خود را عرض کنم هر چند

موافقت بنده با آقای سالار معظم مخالفت با آقای تدین خواهد بود و خیلی از این جهت متأسف و متاثرم . خلاصه اعتراضات آقای تدین دو فقره است یکی این که فاصله بین اعلان و توزیع تعرفه کمتر از ده روز بوده است .

البته با آن تصویری که آقای تدین کرده اند هشت روز فاصله برای تون وطبس و گن آباد کم است ولی هر يك از این سه نقطه يك حوزه انتخابیه داشتند و هشت روز برای تمام آنها نبوده و در هر نقطه اعلاناتی داشتند و اوقات معین شده در صورتی که برای این نقطه های کوچک پنج روز هم کافی است و بهمین فلسفه که سابق در این جا تصدیق کرده اند همان فلسفه باید در این جا هم رعایت شود ما هم بهمین ملاحظه بود که در شعبه در این خصوص خیلی دقت نکردیم .

و اما راجع به معروفیت محلی . بنده تصدیق می‌کنم که این عبارت قانون انتخابات گنگ است . نوشته است وکیل باید معروفیت محلی داشته باشد ولی معلوم نیست که باید در آن محل محل رفته باشد و او را بشناسند یا خیر اسم او را شنیده باشد و بدانند که يك چنین کسی هم هست ؟

و چون معلوم نیست می‌خواهیم بدانیم مجلس این عبارت را بطور تغییر کرده ؟ مطابق انتخابات گذشته آقایانی که انتخاب شده اند شاید بعضی معروفیت محلی نداشته اند و آن نقطه که انتخاب شده اند نرفته اند ولی آن شهر را می‌شناخته اند و انتخاب کرده اند یقیناً آقای سالار معظم هم از این محله ای که انتخاب شده اند لابد در آنجا ها ایشان را می‌شناسد و تلگرافاتی هم که از آنجا بمجلس مخابره شده و در دوسه مجلس ضبط است دلالت دارد که کاملاً او را می‌شناسد و ما هم در شعبه اگر تصدیق کردیم مطابق همان دوسه ها بود و از روی اطلاعات خارجی نبود زیرا اطلاعات خارجی دلیل نمی‌شود - مدرک ما همان دوسه است و از روی آن راپورت بمجلس دادیم . اما این که آقای تدین تصور فرموده اند که حکام نمایندگان را با اهالی تحمیل می‌کنند آنهم يك پروپاگاندا يك مداخله می‌کنند نه آنطوریکه شما می‌فرمائید .

قدین - صحیح است همین طور است . مداخله حکام را تصدیق کردند .

اقبال السلطان - بلی مداخله می‌کنند ولی مداخله غیر مستقیم و این که ملت خودشان نمی‌خواهند انتخاب کنند و علاقمند نیستند شما تصور می‌کنید بواسطه مداخلات حکام است .

این طور نیست بواسطه سستی و تنبلی خودشان است اگر آنها با انتخابات علاقمند باشند البته موفقیت با آنها خواهد بود . در يك شهر بزرگی مثل طهران وقتی که انتخابات شروع میشود مردم را می‌دهند گان

از دوازده هزار نفر تجاوز نمی‌کنند این برای چه است اگر اهالی با انتخابات علاقمند بودند در طهران باید صد هزار نفر تعرفه بگیرند نه دوازده هزار نفر این برای این است که با انتخابات علاقمند نیستند . آن دوازده هزار نفر را هم با التماس با خواهش یا با تحریکات وادار می‌کنند که بروند و تعرفه بگیرند . اگر شما مایل هستید که يك عده نمایندگان امثال خود شما در مجلس باشد باید دقت بفرمائید که اهالی با انتخابات علاقمند بشوند اگر آنها برای انتخابات حاضر شوند و حق خود را از دست ندهند و وکیل خود را از روی علاقمندی انتخاب کنند هیچکس با آنها تحمیل و فشار وارد نخواهد آورد و این را مسلم بدانید که تحمیل و فشار و زور در مسئله انتخابات ممکن نیست .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم ولی چون آقای تدین يك نسبتی بکمیسیون عرایض دادند . بنده ناچار هستم دفاع کنم رئیس - بمدد يك مخالف بفرمائید آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - عرایض بنده گفته شد .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب همدانی - عرایض بنده هم گفته شد

رئیس - آقای مدرس مخالفید

مدرس - خیر موافقم .

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - شاهزاده اقبال السلطان در عین این که عضو شعبه بودند و مکرر بصورت مجلس مراجعه فرموده اند و مطابق صریح عبارت صورت مجلس چند فاصله ما بین نشر اعلان و توزیع تعرفه کمتر بوده است در موقع لطق می‌فرمائید هشت روز بوده و حال آنکه در صورت مجلس مینویسد انجمن نظارت مرکزی در روز دوازدهم جلسه اولیه خود را تشکیل داده و هیئت رئیسه خود را انتخاب کردند و در جلسات بعد شروع بسایر وظایف قانونی خود کردند و اعلان کردند که از روز هیجدهم تعرفه داده خواهد شد بنابراین اگر در همان جلسه اولیه هم این اعلان را منتشر نموده باشد از روز دوازدهم تا هیجدهم شش روز میشود نه هشت روز در صورتیکه در جلسه اولیه هم اعلان را منتشر نکرده اند اما راجع به پروپاگاندا خیلی تعجب می‌کنم و پروپاگاندا البته صحیح است اما اشخاصی که می‌خواهند منتخب شوند یا انتخاب کنند حزب تشکیل می‌شود و برای پیش بردن کاندید و نامزد

و کالت خودشان تبلیغات می‌کنند و مردم را تشویق مینمایند و پروپاگاندا می‌کنند و مردم را تشویق مینمایند و پروپاگاندا می‌کنند ولی حکومت حق داشته باشد پروپاگاندا بکند این يك چیز مضحکی است حکومت بهیچ عنوان حق مداخله در انتخابات را ندارد خواه بعنوان پروپاگاندا خواه بعنوان دیگر (گفته شد صحیح است) حکومت باید نظارت در صحت و سقم جریان انتخاب داشته باشد و شما می‌فرمائید همانطور که اشخاص دیگر حق دارند پروپاگاندا کنند حکومت حق دارد و اما راجع به معروفیت محلی بنده می‌گویم هر دره و هر تفسیری که برای معروفیت محلی قائل شوید ابتدا برای این مصداق معین موجود نیست و در تمام تون وطبس و دهات امرار تصور نمی‌کنم يك شخص سالار معظم را بشناسد بنده می‌گویم در طهران از هزار نفر يك نفر ایشان را نمی‌شناسد و صرف اینکه سالار معظم پسر نظام السلطنه والی خراسان است برای معروفیت محلی کافی نیست بعلاوه خود است راجع کنید بآن شکایتی که از آن شخص شاکی رسیده است و بعقبه بنده این جریاناتی که پیدا شده است از روی غفلت هائی بوده است و آقای آقا سید یعقوب تصور کرده اند بنده بکمیسیون عرایض اعتراض کردم در صورتی که عین واقع است و بامضا علی محمد که شاید اسم رئیس کمیسیون باشد نوشته شده ضبط شود بتاريخ چهارم توت ۱۳۰۰ عین آن سند الان - حاضر است مراجعه بفرمائید يك نفر شاکی است و می‌گوید این انتخاب در تحت فشار و زور و تحمیل شخص نظام السلطنه والی خراسان بود و ما سالار معظم را نمی‌شناسیم مطالب باین واضع را آیا نباید کوش داد اگر اینطور باشد بشما عرض می‌کنم که بعد از این نباید منتظر بود مراعات این نکته از قانون بشود مختصراً عرض می‌کنم این طور معروفیت محلی بهیچوجه نظیر و سابقه ندارد در این مجلس و نه در مجالس گذشته

آقای میرزا محمد نجات مخبر

شعبه آقای تدین دو فقره ایراد باین انتخاب دارند اولاً راجع باینکه انجمن مرکزی تون فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه را کمتر از ده روز قرارداد داده است اگر در راپورت ملاحظه فرمائید در آنجا هم تصریح شده که انجمن مرکزی تون مدت را کمتر از ده روز قرار داده ولی سایر نقاط اینطور نبوده و انجمن های جدا گانه داشته است و فقط انجمن مرکزی موعده را کمتر از ده روز قرارداد داده و چون این مطلب در مجلس شورای ملی سابقه داشت نه در یکجا بلکه در اغلب جا ها که و دتان هم رأی دادید شعبه هم چون

دید کمتر از ده روز موافق روح قانون بوده و شعبات سابقه تصدیق و مجلس هم رأی داده

شعبه پنجم هم این مطلب را مورد توجه قرار نداد و انتخابات ایشان را تصدیق کرد و تصور نمیکنم این ایرادی باشد که بتوان بآن متمسک شد و اما اینکه میفرمایید شکایت رسیده این شکایتی که رسیده است از تون وطبس نیست و خط این شکایت را هم بنده می دانم خط کیست و نمی خواهم بگویم این شکایت از مشهد مقدس است یک نفری بوده است که از تون وطبس کاندید بوده و چون دیده است که محروم میشود شروع بشکایت نموده و این خط را بنده خوب می شناسم و بعضی هم در این مجلس هستند که این خط را می شناسند بالاخره چون مایوس می شود یک کاغذی بتهران می نویسد و این نمبری که بیاکت زده شده است نمبر مشهد است و از تون وطبس نیست و اینکه امضاء می کند فردی شما محمد حسن طبسی است خیر فردی شما محمد حسن طبسی نیست یک نفر از معارف و اعیان نمبر اول خراسان است و شاید عنقریب از محل دیگر انتخاب بشود و بیاید بهلوی شما بنشینند و بوالش هم رای بدهد

این نمبر مشهد است آیا تون وطبس نمبر ندارد و دست خانه ندارد ؟ پس چرا از مشهد فرستاده است حالا اگر مبل دارند در خارج بشما می گویم که کار کی است این کاغذ خطبگی از اعیان خراسان است و خطش را هم خیلی خوب می شناسم و این شکایت بهیچ وجه مورد اهمیت نیست و اما معروفیت محلی یک چیزی است که تا با امروز در قانون هیچ میزانی برای او معین نشده و فقط باید در مجلس شورای ملی معین شود اگر مجلس مقدس دید که معروفیت محلی دارد البته رأی خواهد داد و اگر اصرار کرد که معروفیت محلی ندارد البته رد خواهد کرد و جای شبهه هم نیست و دیگر اینکه شعبه که بیل خود رفتار نمی کند شعبه از روی دوسه و تلگرافات حکمیت می کند وقتی که در دوسه انتخابات مصرح است که انجمن مرکزی از معارف و معتمدین محل تشکیل شده و انتخابات موافق قانون خاتمه یافته و تمام امضاء کرده اند حکومت هم امضاء و تصدیق کرده و از اهرم هیچ شکایتی نرسیده و بعلاوه یک دسته تلگرافات رضایت از معارف محل رسیده و بسالار معظم تبریک گفته اند آیا شعبه باید رد کند و بگوید این تلگرافات دروغ است و والی تحصیل کرده است و این کاغذی را که یک نفر مملو که می از مشهد نوشته و کاندید و کالت بوده سند قرار بدهد یک دلیل دیگری هم هست و آن این است که این کاغذ در دوم جمادی الثانیه نوشته شده در صورتی که در بیست و هشتم جمادی الثانیه

انتخابات خاتمه یافته معلوم میشود که شکایت کننده غیب هم گفته است صورت مجلس حاضر است مراجعه بفرمائید در بیست و هشتم جمادی الثانیه انتخابات خاتمه یافته و این شخص در دوم جمادی الثانیه می نویسد که ایها الناس انتخابات چنین شد و چنان شد چون می بیند انتخابش نمی کنند و مایوس می شود شش شاهی ضرر می کند و این مقاله را نوشته و خوب هم نوشته است و بتوسط پست خانه تقدیم آقای رئیس کرده است و اما راجع باینکه آقای حاج میرزا علی محمد رئیس کمیسیون عرایض در چهارم حوت امضاء کرده اند و نوشته اند ضبط شود و چه طور شده که بکمیسیون عرایض رفته و بعد ضبط شده است این راجع بشعبه نیست و مربوط بکمیسیون است

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً آقای مخبر شاکری را جرح کردند و گفتند خط او را می شناسم و می دانم که یک نفر از داوطلبان و کالت است اولاً تصدیق می فرمائید که قضاوت یک نفر سندیت ندارد و بعلاوه بشخص شاکری نباید نگاه کرد باصل شکایت باید نگاه کرد که آیا این شکایت صحیح است یا سقیم گویند هر کس باشد بنا بر این همانطور که مقام محترم ریاست موقعی که این عریضه شکایت رسیده است بوظیفه قانونی خود عمل کرده اند و مراسله بوزارت داخله نوشته اند که می نوشت هم الان حاضر است همانطور هم بنده و جناب عالی و شعبه و مجلس و طبقه دار هستم وقتی یک شکایتی بمجلس رسید باصل شکایت رسیدگی کنیم گویند هر کس باشد اعم از اینکه داوطلب و کالت باشد یا نباشد آیا نمی شود مدهی یک امری در ادعای خود صادق باشد ؟ والا فرمایش آقای مخبر لازم است این است از ادعای هر مدهی صرف نظر بشود ؟ چرا برای اینکه مدهی است و اینکه می فرمایند این کاغذ بمشهد آمده و نمبر مشهد را دارد بعقیده بنده این خودش یک دلیل بزرگی است بر اینکه این انتخابات در تحت فشار واقع شده و چون در پست خانه آنجا سانسور در کار بود مجبور شده اند شکایت خود را از مشهد ارسال دارند اما اینکه می فرمائید تلگرافات رضایت آمده بنده عرض می کنم آیا رضایت بدون شکایت وجود دارد؟ طبعا در محل یک عده متشکیان بوده اند که در مقابل یک عده اظهار رضایت نموده اند بعلاوه مطابق اصول مسلمه تمام دنیا آن انتخاباتی که آزاد است بدون شاکی نمی شود و آن انتخاباتی که در تحت تاثیر نفوذ است مادام که آن نفوذ باقی است و مادام که یاس و وحشت در اهالی قلبه دارد صدای شاکی بیرون نمی آید ولی همینکه آن نفوذ از بین رفت آنوقت معلوم میشود شاکی کیست و رضایت بدون شکایت که منطقی

ندارد بعلاوه خود حضرت عالی میفرمائید در صورت مجلس نوشته اند انتخابات از دوازدهم جمادی الاولی شروع شده و در بیست و هشتم جمادی الثانیه خاتمه یافته است پس معلوم می شود که در همان حین از جریان انتخابات ملتفت شده اند که می خواهند یک شخص را بر اهالی گناباد و بشرویه و تون و طبس و غیره تحمیل کنند و لذا شروع به شکایت نموده اند فرضاً شخص شاکری اسم خود را محمد حسن طبسی می گوید و مدعی و کالت هم هست در صورتی که صالح باشد و جریان انتخاباتش صحیح باشد چه ضرری دارد او هم بیاید و یکی از کرسی های پارلمانرا اشغال نماید

رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده گمان نمی کردم آقایان محترم در عوض زحماتی که اعضاء کمیسیون عرایض برای این ملت متحمل شده اند بخواهند آنها را محل ابرار قرار بدهند خوب بود آقای تدین حفظ الله تعالی نگاه بعریضه می نمودند و اقدانی که مطابق از طرف مقام ریاست و وزارت داخله شده است میدیدند آنوقت این فرمایشات را می فرمودند تکلیف کمیسیون عرایض چه بوده ؟ اصل عریضه بکمیسیون عرایض نیامده است اصل عریضه بمقام ریاست تقدیم شده است مقام ریاست هم بر ریاست وزراء نوشته اند که در این باب رسیدگی کنند و ناظر جریان انتخاب باشند از طرف ریاست وزراء هم بوزارت داخله رجوع شده و وزارت داخله هم بنمایند خود که حکومت باشد دستورات لازمه داد و بدهم بمجلس جواب میدهد که امری که از طرف مجلس شده است اقدامات لازمه نموده ایم بعد از تمام این مقدمات و جریانات تازه این مطلب بکمیسیون عرایض رسیده بنا بر این این مطلب و این دوسه در وزارت داخله سابقه پیدا نموده و این سابقه باید در جزو دوسه انتخابات از وزارت داخله بشعبه برگردد ولی بعد از آنکه مجلس و وزارت داخله در آن باب اقدام نموده و کار تمام شده و مجرای قانونی خود را طی کرده و بکمیسیون عرایض آمده البته مجبوراً ضبط می شود حالا اگر ایرادی دارید که چرا این مطلب را وزارت داخله در جزو دوسه دوسه شعبه نفرستاده مربوط بکمیسیون عرایض نیست کمیسیون عرایض مطابق مسئولیتی که داشته است اقدامات خود را نموده دیگر کمیسیون عرایض نمی تواند مأمور معین نماید و بگوید بروید پیش محمد حسن طبسی صدق می گوید یا کذب می گوید طرف خطاب مجلس و کمیسیون عرایض وزارتخانه ها هستند بعد از اینکه وزارتخانه ها حکوتاهی کردند دیگر کمیسیون عرایض محل بی مرحمتی نباید بشود بنا بر این عرض می کنم نسبت به

کمیسیون عرایض کم مرحمتی فرمودید اما راجع بمعروفیت محلی همانطور که آقای حاج شیخ محمد حسن گروس در این باب صحبت کردیم بعضی شرایط شرط وجود تحقیق سنی است و بعضی شرایط دیگر شرط کمال هستند نه شرط وجود بعضی شرایطی که در محبت انتخابات نسبت بمنتهی می شود شرط وجودش است مثل اینکه منتخب باید تیره ایران و مسلمان باشد مرد باشد و حراً باشد

اینها شرایط وجود تحقیق هستند ولی مجلس شورای ملی برای معنای معروفیت محلی یک میزان و مقدار کلی قرار نداده است بعلاوه همین مسئله نسبت ببعضی از وکلای خراسان که خود آقای تدین با کمال جدیت مدافع آنها بودند سابقه دارد پس معلوم می شود معین در مقام قانون گذاری شرط معروفیت را شرط وجود و تحقیق ندانسته بلکه شرط کمال دانسته در دوره سوم و چهارم خیلی نظیر این اتفاقات واقع شده و اشخاصی انتخاب شده اند که روح امالی هم اطلاع از حالات آنها نداشته از همین جا معلوم می شود که مجلس شورای ملی اولاً برای معروفیت محلی میزان کلی قرار نداده

ثانیاً آن را شرط وجود و تحقیق ندانسته بلکه شرط کمال قرار میدهد به قسمی که اگر این شرط واقع نشد انتخاب را باطل نمیداند اما راجع بدست اعلان آقایان مخبر و اقبال السلطان جوابی بیان فرمودند

جواب دیگران هم بنده عرض میکنم مقننین در قانون انتخابات مدتی برای پذیرفتن شکایات معین نموده یعنی در خود انجمن مرکزی یک هفته و در مجلس شورای ملی هم یک ماه برای اسفای شکایات وقت قرار داده است و این وقت برای این است که اگر کسی نسبت بجریان انتخابات مقررده بیان نماید

این قانون برای ترقیه حال متشکیان است حال اگر خود آنها از این مدت استفاده ننمایند و شکایات نکنند ما که مدهی العموم هستیم که با اهالی طون وطبس بگوئیم حال که شما علماً و عمدتاً در مدت مقررده دست از حق خودتان برداشته اید فلط کردید و اشتباه نموده اید بیائید دو مرتبه شکایت کنید پس این عدم شکایت کماشف از این است که آنها از حق خودشان استفاده ننموده اند و ما هم هیچ الزامی نداریم که بیائیم دو مرتبه در این خصوص صحبت نماییم

بنا بر این گمان می کنم برای آقای تدین هم اشکالی باقی نباشد پیشنهاد می کنم مذاکرات کافی باشد

مخبر - ماده چهل و هشتم قانون انتخابات بکسانی حق شکایت کردن میدهد که حق انتخاب کردن داشته باشند

دیگر این حق را به مجلس و شعبه و اهل طهران و مشهد نمی دهد حالا باید در دوسیه دقت کنیم ببینیم که آیا از این اشخاص شکایاتی رسیده است یا خیر ؟ البته در صورتیکه شکایاتی رسیده باشد آقای تدین حق دارند بگویند این انتخابات باطل است ولی حالا که شکایاتی نشده و فقط از مشهد یکی از اهالی آنجا و یکی از کاندیدهای وکالت که همه سنگ و کیلی شدن را بسپنه می زنند و الان هم در نقطه دیگر مشغول است چون دیده است که وکالت از دستش رفته يك مقاله باسم مجلس شورای ملی عرض نموده و شکایت از انتخابات کرده است . باید دید آیا او حق دارد شکایت بکند یا خیر ؟ البته او چنین حقی ندارد .

بلی اگر از اهالی طون و طیس و غیره بود حق با آقای تدین می بود ولی در صورتیکه این شخص معتمد حسن طوسی نیست و اسم دیگری دارد و ساکن مشهد است البته تصدیق می کنید که چنین حقی نداشته است و بنده حاضرم در اطاعت تنفس بایشان حالی کنم تا خودشان تصدیق کنند که این معتمد حسن طوسی يك شخص موهومی است بنابراین چه طور ممکن است این شکایات را مدرک قرار داد ؟

اما اینکه فرمودید لابد در مقابل رضایت شکایاتی بوده رضایتی که عرض کردم عبارت از اظهار تشکر و تبریک اشخاص معترم تون و طیس و گناباد و غیره است که با آقای سالار معظم مغایره کرده اند خوب است ابتدا به ریاض بنده توجه فرمائید بعد جواب بدهید

این اشخاص تمام از معارف تون و طیس و گناباد بوده اند که شاید بعضی از آنها را خود آقای تدین بشناسند اینها انتخاب ایشان را تبریک گفته اند بنابراین بنده تصور می کنم شکایت که ندارد سهل است تبریک هم گفته اند

اما راجع به معروفیت محلی البته اگر در آن خصوص شکایاتی می رسید شعبه وظیفه داشت رسیدگی بکند ولی چون شکایاتی فرسیده شعبه تکلیفی ندارد و آنکهی شما آزاد هستید اگر ایشان را دارای معروفیت محلی نمی دانید اعتبارنامه را رد کنید رئیس - مجلس مذاکرات را کافی نمی داند .

(جمع می گفتند کافی است)

رئیس - آقای مستشار السلطنه پیشنهاد کرده اند که این قضیه بکمیسیون تحقیق انتخابات مراجعه شود مستشار السلطنه - نظر بنده از این پیشنهاد این بود که حس کردم ممکن است این مطلب قدری بطول انجامد و البته با موقعیت مملکت و با وجود يك سلسله امورات

همه خوب نیست وقت مجلس اینقدر صرف این قضیه بشود حالا که آقایان مذاکرات را کافی می دانند بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم

رئیس - رای می گیریم برای پورت شعبه یعنی بنمایندگی آقای سالار معظم آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب می کنند قیام نمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد لایحه مستمریات مطرح است بماده سوم رای داده شده است و يك جزو از ماده سه را هم تفکیک کرده اند و ماده چهارم قرار داده اند قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - در موقع ضرورت کفالت شغل دیگری را موقتاً به يك از مستخدمین می توان ارجاع نمود

رئیس - آقای گروسی (اجازه)

حاج شیخ محمد حسن گروسی در صورتی که ماده بآن جملات بعد متعلق می باشد بنده مخالفتی ندارم ولی در صورتیکه تعلق بآن جملات نباشد عرض می کنم منافاتی ندارد اگر دولت خواسته باشد در موقع ضرورت موقتاً چند صباحی امری را یکی از مأمورین و مستخدمین رجوع کند ولی چیزی را که بنده مخالفت می کنم این است که برای آن چند روزه حقوق لازم نیست

مخبر - این اعتراض آقای گروسی راجع بماده پنج است ماده چهارم راجع به حقوق نیست

رئیس - آقای اقبال السلطان مخالفید .

اقبال السلطان - خیر موافقم رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - بنده اجازه نخواهم بود

رئیس - پس کسی مخالف نیست . رای می گیریم بماده چهارم آقایانی که ماده چهارم را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پنج در صورت مذکور در ماده فوق قرائت ذیل مرعی خواهد بود

۱ - هر يك از مأمورین دولتی شغل رتبه مادون خود را متکفل باشد حق دارد تمام حقوق معادل نصف حقوق رتبه مادون خود را دریافت دارد

رئیس - راجع بقسمت اول مخالفی هست یا خیر ؟ آقای رفعت الدوله

(اجازه)

رفعت الدوله - در جلسه سابق هم عرض کردم که بنده اصلاً مخالف دو حقوق گرفتن هستم خواه در درجه اول باشد خواه دوم خواه سوم

بنده باین مملکت و با این وضع پریشان مردم و نفوذ متنفذین که احتکار کار برای خود و اعوان و انصارشان می نمایند

هیچ عقیده ندارم که کسی دو شغل را اشغال نماید و دیگری از بابت حقوق دیگری ببرد

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - برای اینکه شاید آقایان مخالفین این ماده را موافق کرده باشیم لازم می دانم مختصری عرض کنم باید فهمید که این پیشنهاد برفع دولت به مجلس تقدیم شده است

بابنعم کارگر و اعضاء ادارات به عقیده بنده این پیشنهاد برفع اعضاء دوائر دولتی است برای اینکه اگر رفع دولت باشد رفع دولت در این است که دو شغل را بیک نفر بدهند زیرا اگر يك نفر دو شغل داشته داشته باشد قهراً ضررش کمتر خواهد بود بنابراین این لایحه برفع اعضاء دوائر دولتی است زیرا کار پیدا می شود و آنها داخل در کار می شوند دلیل آنهم این است که امروز از کارهایی را دو قسمت کرده اند در حقیقت يك کار است مثلاً ادارات مالیات مستقیم و غیر مستقیم که امروز دو اداره متمایز هستند يك کار است و اگر يك اداره داشته باشند منافعی برای دولت بیشتر است زیرا يك رئیس و يك حساب و يك اربابو بیشتر نخواهد داشت

پس بنا بر این معلوم می شود که دولت برای اینکه بجهت بیکارها کار پیدا کرده باشد این پیشنهاد را نموده است و خود دولت مایل است که يك نفر دو شغل نداشته باشد مگر در موقع ضرورت

در آن موقع هم موافقی است و بیشتر از یکماه یا دو ماه کفالت شغل دیگر را نخواهند داشت

حالا خود آقایان تصدیق می فرمایند که آیامی شود بیک شخص که کار دیگری را اضافه بر کار خود متکفل می شود حقوق اضافی نداد ؟

بنده تصور می کردم در مقابل بیانیاتی که در جلسه قبل شاهزاده نصرت الدوله فرمودند دیگر مخالفتی نسبت باین مسئله نمی شود

البته بهر کسی که شغل اضافی رجوع می شود باید در مقابل آن شغل بآن شخص حق الزحمه داد تا بقسمی که لازم است در انجام آن کار سعی وافی نماید و اینکه آقایان می فرمایند يك نفر عضو اداره اوقاف خود را بدولت می فروشد این طور نیست

يك نفر عضو اداره قبول انجام يك شغل معین را می کند مثلاً رئیس تلگراف خانه فلان ولایت ممکن است تکالیف خود را در سه ساعت یا چهار ساعت انجام بدهد و مکرر هم اتفاق افتاده است که اجزای اداره برای انجام کارهای زیادی گذاشته اند در اوقات شب و ایام تعطیل هم کار کرده اند آنها موظفند يك شغلی را که بآنها رجوع می شود انجام بدهند خواه در ساعات اداری باشد یا غیر ساعات اداری پس اوقاف خودش را فروخته است و البته اگر يك شغل دیگری بر کار او اضافه شد اگر در ازای آن حق الزحمه بآوندند آنطوری که متوقع هستند امور خود را انجام نخواهد داد

رئیس - آقای کازرانی مخالفید ؟

کازرانی - بلی

رئیس - بفرمائید

آقای میرزا علی کازرانی - این قانون برای امروز و مستخدمین امروز است نه فردا این قانون برای امروز است که هنوز قانون در مملکت حکم فرما نشده است اگر انشاء الله تعالی يك روزی برسد که قانون کاملاً حکم فرما باشد و ادارات ما قانونی باشد هیچ وقت محتاج نخواهیم بود دو شغل را بیک نفر بدهیم اگر حکومت است که اداره حکومتی دارد نایب الحکومه دارد و در صورتیکه حاکمی منفصل شد اداره حکومتی او باقی است و نایب الحکومه بکارهای او رسیدگی مینماید

بنابراین محتاج نخواهد شد اینکار را بیک نفر تلگرافچی بدهند ولی امروز می بینیم که اشخاصی که درصدد تحصیل کار بر می آیند برای است بهر وسیله باشد تأمین آتیه خود را بکنند سابق بر این اگر يك نفر میخواست شغلی بدست بیاورد پولها خرج مینمود و وسائلی ایجاد میکرد در صورتیکه موجب هم نداشت و بنده معتقدم هم کمتر از امروز دخل میکرد و هم کمتر تمندی مینمود ولی امروز موجب می کردند و علاوه ظالم و تعدی هم میکنند و ابتدا تابع این قانون هم نیستند باین ترتیب بنده عرض می کنم اگر ما بخواهیم دو شغل را در یکی از ولایات بیک نفر رجوع کنیم

بنده آقایان اطمینان میدهم که با کمال افتخار حاضر است بهوض یکماه پنجاهم بدون موجب آن شغل را انجام دهد و حفظ آن شغل خیلی از برای او بهتر از موجب است به علاوه عرض میکنم اگر بنا شود ما این ماده را باین طور که پیش آمده است تصویب کنیم اسباب احتکار میشود و سبب میشود که متنفذین کارها را برای خود و اتباعشان احتکار نموده مستمسک بضرورت شوند ضرورت هم يك کلمه لاستیک است که شامل امور هادی هم میشود البته من آب

میخودم راه میروم هر چه میکنم البته ضرورت اقتصاد کرده است

بنابر این شغلی نیست که نشود ضرورت را باو نسبت داد اما لفظ موقت یک هزار سال موقت است یک ساعت هم موقت است بنابر این بنده با تصویب این دو حکم که لاستیکترین کلمات است کاملاً مخالفم

مخبر - راجع بفرمایشات آقای کازرانی بنده خیلی متأسفم که بهر آن هنوز ادامه دارد و یک هیئت دولتی نیست که در مجلس شورای ملی راجع بمأمورین و مستخدمین دولت یک تصدیق ببلند کند آقای کازرانی نباید قراموش نماید که این نقطه مرکز رسمی مملکت است مرکز تقنینیه است حرفهائی که در اینجا گفته میشود باید قابل توجه باشد نباید یک چیزی در اینجا گفت که هر روز در خارج و در صفحات روزنامه بگویند حرفهای مجلس ابداً قابل توجه نیست

در مملکت مشروطه در مملکتی که مستخدمین آن مطابق قانون باید معین شوند و کار کنند شما نمی توانید بدون اینکه معاکه شده باشند

بطور کلی و بطور مطلق بگویند همه خیانت کارند اینطور نیست اینها سبب میشود که بهر روز تمام اشخاص که در خارج هستند حرفهای ما را حرفهای بیقدر و قیمت بدانند یک نفر وکیل وقتی یک حرفی زد باید دنباله اش را بگیرد و تمام مستخدمین خیانت کار را مشرول کند

بنده تصور میکنم اگر هیئت دولتی در اینجا بود از این مسئله دفاع مینمود لکن حالا بنده ناچار از نقطه نظر مجلس و حیثیت و شرافت و کالت و حفظ قدر و قیمت مذاکرات خودمان عرض کردم و اینکه میفرمایند قانون برای امروز است برای فردا نیست بنده نمی فهمم یعنی چه بعقیده بنده اگر کسی هم عقیده اش این است که در مملکت قانون حکمفرما نیست اینجا نباید به نشیند

رئیس - آقای سهام السلطان موافقت

سهام السلطان - بلی
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده

آزاد عرض کردم امروز هم عرض میکنم که بنده با دوشغل موظف مخالفم ولی عرض می کنم خیلی از ادارات هستند که زیادی هستند و باید یکی شوند مثلاً اداره اوقات و معارف باید یکی باشد ولی موظف بودن را بنده بکلی مخالفم زیرا باعث احتکار کار خواهد شد

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - چنانچه آقایان در این

راپورت اخیری که از طرف کمیسیون تقدیم شده دقت فرمایند خواهند دید که اساساً این راپورت به ماده تقسیم شده است

ماده اول که همان ماده سوم است . ارجاع و جمع دوشغل متمایز با حقوق اداری را ممنوع می کند از این حیث باید خاطر آقایان مطمئن باشد که هیچ هیئت دولتی نمیتواند چند شغل موظف را با یکدیگر جمع کند بموجب همین ماده هیچکس نمیتواند دوشغل موظف دائمی را دارا باشد

ولی همینطور که سابقاً هم در این مجلس اظهار شد دولت در بعضی مواقع مجبور می شود دوشغل را بیک نفر رجوع کند

بعلاوه صحبت کفالت است صحبت دادن

دوشغل دائمی بیک نفر مأمور نیست و در یک موقعی که دولت مجبور می شود یک مأمور را بخواهد و کفالت شغل او را بدیگری بدهد البته باید یک قدری برای دولت اختیار گذاشت که بتواند اینکار را بکند و همینطور هم در مجلس رأی داده شد در اینصورت مجلس تصدیق کرده است جمع دوشغل به دو حقوق ممنوع است مگر در صورت ضرورت

پس وقتی دولت بتواند بعنوان کفالت کار دیگری را بیک شخص رجوع کند البته تصدیق می فرماید بدون حق و مزد نباید این کار را بکند

آقای کازرانی می فرماید احاله شغل را با افتخار قبول می کند اگر بنا باشد ما این مسئله را تصدیق بکنیم دیگر لازم نیست مقرری برای کسی قرار بدهیم زیرا می فرمایند خیلی از اشخاص هستند که ممکن است خیلی از شغلها را بدون حقوق قبول کنند

بلی ممکن است اشخاصی باشند که خیلی از مشاغل را بدون اخذ یک دینار قبول کنند یا فلان شغل را که ماهی یا نصف تومان حقوق دارد ماهی صد تومان قبول کنند چنانچه سابقاً هم حکام و مأمورین حقوق نداشتند ولی حالا اینطور نیست وقتی شما از یک مأموری مسئولیت می خواهید البته باید با حقوق بدهید شما از مأمور یک خدمت معین را می خواهید

وقتی با خدمت دیگری رجوع میکنند او باید وقت خود را علاوه صرف نکند در صورتیکه وقت غیر اداری خودش را صرف نمود باید یک حقوق علاوه هم بگیرد زیرا اگر حقوق باوند هم نمیتوانیم متوقع مسئولیت از او بشویم

بعضی گفتند مذاکرات کافی است
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت ؟

محمد هاشم میرزا - بلی موافقت

رئیس - آقای امین الشریعه چهارم
امین الشریعه - بنده هم موافقت
رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده فرمایشات آقای نصرت الدوله را تصدیق می کنم البته ما باید مذهب و مقرر باشیم که قانون در مملکت جاری است اما این دخلی بموضوع ندارد بنده عرض میکنم ما باید نظریه تجربیات بکنیم و اینکه آقای سهام السلطان می فرماید کار را نمیتوانیم تعجیل کرد خود بنده پنجاه فقره دیده ام که با کمال افتخار کار را قبول کرده اند و بهیچوجه از شغل خودشان هم زیاد تر حقوق نگرفته اند مگر از طهران تلگراف می شود که سردار نصرت یا نصرت الامالك باریس تلگرافخانه کفالت حکومت را بکنند تا حکومت فرستاده شود

بعد آقای سردار احمد وحشت الدوله با امیر مخم می آید و می گویند باید پنجاه هزار تومان بدهی دومه سه ماه زحمت می کشند وقتی که حکومت وارد می شود پنجاه هزار تومان تقدیمی می خواهد در اینصورت بنده می گویم دولت چرا ضرورت کند خود آنها قبول می کنند بشرط اینکه حکام از آنها چیزی نگیرند یا قرضاً

رئیس - مالیه تلگراف می کنند به شیخ الملك یا رئیس مجامعات یا دیگری و کفالت می کنند بدون اینکه یکشاهی حقوق بآنها داده شده باشد

مدتی کفالت بعهده مقبل السلطان بود خدا گواه است با هزار زحمت و التماس برای پول دادن بعد گریخته اینها چیزهایی نیست که ما بخواهیم اشتباه بکنیم حالا اگر در مرکز مأمورین اشخاص یا کدبان هستند و دو کار را با یک حقوق قبول نمیکند جاهای دیگری اینطور نیست و بعقیده بنده این یک ضرر بزرگی برای دولت خواهد بود حالا آقایان هر طور مایلند رفتار کنند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - تصور میکنم آقای رفعت الدوله ایران را منصرف بکرمان نمی دانند آقا صحبت شیراز و کرمان نیست صحبت در این است که دولت در مواقع ضرورت می تواند این کار را بکند یا نه ؟ آقای کازرانی هم اشتباه نفرمایند ضرورت مثل خوردن و آشامیدن نیست و یک وقت است دولت مأموری برای پست و تلگراف بسرحد اعزام می کند و مجبور می شود یک امر راجع بفوائد عامه را هم باو رجوع کند این را ضرورت می گویند ما که مطابق قانون اساسی انتخاب شده ایم برای چه باید حق این مستخدم دولت را ضایع کنیم

دولت یک حق برای او معین کرده

است و این حق مسلم است و عمل او هم مسلم محترم است دولت ما مشروطه است حکومت ما هم مشروطه است آنچه حق ما می توانیم یک مأموری را ملزم کنیم یک حق بگیرد و دو کار بکند ؟ بنده مأمور هستم پست و تلگراف را اداره کنم مأمور نیستم عدلیه را هم اداره کنم دولت هم اگر بخواهد برای هر کار جزئی یک مأمور بفرستند معلوم است چه قدر ضرر بخزانة او وارد می آید

بنابر این بنده گمان می کنم بهترین لایحه که تقدیم مجلس شورای ملی شده است هم نسبت بحفظ حقوق دولت و هم نسبت بحفظ حقوق مستخدمین دولت این لایحه باشد آخر کدام حق و کدام انصاف و عدالت حکم می کند بعد از آنکه ما یک حق برای یک کاری معین کرده ایم آن وقت بیک نفر مستخدم دیگر دولت بگوئیم این کار اجرت ندارد ما نمی توانیم بگوئیم باو حقوق ندهند و چون مأمور دولت است و ما می صد تومان حقوق می گیرد یک کار دیگری را هم بکند و پول نگیرد شب بخواهد بشت دستگاه تلگراف کار کند ما باید مطابق عدل و انصاف حقوق هر ذی حقوق را بخودش بدهیم پس عقیده بنده این است که این بهترین لایحه است و چون سه جلسه هم هست در آن صحبت می کنیم بنده مذاکرات را کافی می دانم

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است یا نه ؟

(گفته شد کافی است)

رئیس - قسمت دوم ماده قرائت می شود
(آقای نظام الدوله بمضمون ذیل قرائت نمودند)

هر یک از مأمورین دولتی که بعنوان کفالت شغل بالاتر را اشتغال نمایند حق دارد نصف از حقوق شخصی و نصف از حقوق آن کسی را که قائم مقام اوست دریافت دارد

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - در جلسه قبل هم بنده عرض کردم مأمورین دولتی اوقات خود را تقریباً بدولت فروخته اند و دولت مجاز است در آن وقتی که باو فروخته شده است یک کار بآنها رجوع بکند یا دو کار حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله فرمودند این مسئله عملی نیست که بیک عمل بگوئیم امروز دیوار را درست کن و فردا بیا باغچه بیل بزن بنده عرض میکنم کارهای دولت هیچکدام بایکدیگر چندان فرقی ندارد مثلاً رئیس فلان اداره است می گویند کار فلان رئیس شعبه را هم بکن یا منشی اول است میگویند کار منشی دوم را هم بکن شاهزاده اقبال السلطان فرمودند بینم این پیشنهاد بشفع دولت است یا بشفع کارگران ادارات بنده عرض میکنم پیشنهاد بشفع